

▶ نکات کلیدی دروس فلسفه ۲ به همراه سوالات نهایی طبقه بندی شده

▶ سیدرحیم موسوی نسب سرگروه فلسفه و منطق استان خوزستان

▶ درس یک: چیستی و هستی

➤ قدم های های چهارگانه برای شناخت چیستی (ماهیت) و هستی (وجود)

برای شناخت دومفهوم وجود و ماهیت و اینکه چه نسبتی دارند باید چهارقدم برداریم قدم اول آشنایی اصل واقعیت خارج از ذهن (۱) اصل واقعیت : (واقعیتی خارج از ذهن وجود دارد) اصل واقعیت مستقل از ذهن) مثال کتاب: ما دونوع نیاز داریم : نیاز مادی : گرسنگی ، تشنگی . نیاز غیر مادی: گمگینی و با آب ، غذا و محبت واقعی نیازمان را برطرف می سازیم. پس ابتدا واقعیت بیرون از ذهن را می پذیریم و نسبت به آن علم داریم و نیاز مان را با آن برطرف می کنیم

(۲) واقعیت بیرونی ۲ جنبه هستی و چیستی دارد (وجود وجه مشترک موجودات و ماهیت، وجه اختصاصی آنهاست) و می توان از چیستی اشیاء سوال کرد مثلاً می شود پرسید: انسان چیست؟ که پاسخ آن: انسان حیوان ناطق است.

یا می توان پرسید مربع چیست؟ که پاسخ آن: مربع شکل چهارضلعی است جواب سوالات یاد شده بیان کننده ماهیت یا چیستی اشیاء هست پس چون جواب ها متفاوت اند نتیجه می گیریم که ماهیت وجه اختصاصی و متمایز کننده است. اما می توان در هستی و وجود داشتن اشیاء شک کنیم مثلاً: آیا انسان هست؟ در پاسخ می توان گفت بله وجود دارد و مثلاً می توان سوال کرد: آیا جن موجود است و در پاسخ آن بشنویم که خیر جن موجود نیست . بنابراین نتیجه این هست که جواب یکی اند و وجود وجه مشترک میان موجودات است.

(۳) مغایرت وجود و ماهیت ((مغایرت یعنی یکی نبودن ، دو چیز بودن است)) پراید سفید و وجود دو مفهومی هستند که هم معنی نیستند ، بلکه دو مفهوم جدا از هم هستند ما در ذهن خود از پراید سفید و (وجود) دو تا مفهوم جدا گانه داریم که مغایر هستند.

(۴) علت مغایرت وجود و ماهیت (یا زیادت وجود بر ماهیت)

موضوع	محمول	نسبت
مثلث	شکل سه ضلعی	است
مثلث	موجود	است

(۱) این دو تا قضیه هم معنی نیستند چون محمول قضیه اول ماهیت مثلث هست اما محمول قضیه دوم وجود مثلث هست پس وجود و ماهیت در ذهن مغایر هستند

(۲) نمی توان سوال کرد چرا مثلث سه ضلعی است چون محمول همان موضوع هست سه ضلعی همان مثلث است. و سه ضلعی بودن ذاتی مثلث هست پس این حمل دلیل نمی خواهد. اما می توان سوال کرد آیا مثلث وجود دارد؟ چون وجود داشتن ذاتی مثلث نیست.

➤ در نسبت وجود و ماهیت می توان چهار حالت کلی در نظر گرفت:

۱- چیزی که وجود دارد و ماهیت دارد (مثلاً انسان)

۲- چیزی که وجود دارد و ماهیت ندارد (مثلاً خدا)

۳- چیزی که وجود ندارد و ماهیت ندارد (هر چیزی که محال است باشد)

۴- چیزی که وجود ندارد و ماهیت دارد (تصور ذهنی که وجود خارجی ندارد)

➤ مغایرت یا زیادت وجود بر ماهیت:

انسان بشر است (محمول در این قضیه عین موضوع است)

انسان حیوان است (محمول در این قضیه جزئی از موضوع است)

انسان موجود است (محمول در این قضیه نه عین موضوع است نه جزئی از آن)

➤ اثبات اینکه وجود نه عین ماهیت است نه جزئی از آن است.

(۱) می توان وجود را از ماهیت سلب کرد بدون اینکه ماهیت از بین برود (چون جزء ذاتش نیست) (اما نمی توان اجزای ذاتی شیء را سلب کرد مثلاً سه ضلعی بودن از مثلث)

مثال: (انسان وجود دارد. اینجا می توان وجود را از انسان سلب کرد)

۲) حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل است

(در مثال بالا: موجود بودن انسان نیازمند دلیل است)

۳) اما حمل شیء بر خودش یا اجزای ذاتی شیء بر خودش نیازمند دلیل نیست. (چون ذاتی آن هست و جزء تعریفش هست)

مثال: (حمل سه ضلعی بر مثلث یا حمل حیوان ناطق بر انسان دلیل نمی خواهد)

۴) ماهیت ذاتا ممکن است و نسبتش به وجود و عدم یکسان است.

۵) اگر وجود عین ماهیت یا جزئی از ماهیت باشد، باید نسبت به عدم، محال و ممتنع باشد چون وجود جزئی از آن است

اگر وجود جزئی از درخت باشد، محال است که درخت معدوم باشد ولی می بینیم که درخت زمانی معدوم بوده و بعد از مدتی معدوم می

شود

➤ نکات کلیدی درس:

هستی = (وجود) چیستی = (ماهیت)

➤ وجود: وجه مشترک موجودات

ماهیت: وجه اختصاصی موجودات

در عالم خارج از ذهن: وحدت دارند (یکی اند)

در عالم ذهن: مغایرت (تفاوت) دارند. (جدا هستند)

«وجود» و «ماهیت»: در عالم خارج از ذهن دو جنبه از یک حقیقت واحد هستند، نه اینکه دو جزء یک چیز هستند که از ترکیب آنها، آن

شیء بوجود آمده باشد

▶ استدلال ابن سینا بر مغایرت (تفاوت) وجود و ماهیت

• حمل «وجود» با حمل «حیوان ناطق» بر انسان متفاوت است.

• «حیوان ناطق» ذاتی انسان بوده و جدا ناپذیر است (جزء تعریف انسان هست)

• «وجود» ذاتی انسان نیست و جدا پذیر هست. (جزء تعریف انسان نیست)

• در تعریف انسان به حیوان ناطق: بین «حیوان ناطق» و انسان رابطه تساوی هست تنها تفاوتشان در اجمال و گستردگی آنهاست.

• حمل «حیوان ناطق» بر انسان نیازمند دلیل نیست. (نمی توان پرسید چرا حیوان ناطق را بر انسان حمل کردید؟)

• حمل «وجود» بر ماهیتی از جمله انسان نیازمند دلیل است.

• حمل «حیوان ناطق» بر انسان، حمل اولی ذاتی (حملی ضروری و دلیل نمی خواهد) (وقتی مفهوم محمول همان مفهوم موضوع

باشد مثال مثلث شکلی سه ضلعی است)

• حمل «وجود» بر انسان، حمل شایع صناعی است (حملی غیر ضروری و نیازمند دلیل است). (وقتی مفهوم موضوع و محمول با هم تفاوت

دارند مثال: انسان وجود دارد)

▶ گذری تاریخی

➤ اهمیت بحث مغایرت وجود و ماهیت

فارابی به آن توجه ویژه داشت.

ابن سینا برای مغایرت وجود و ماهیت دلایلی ذکر کرد.

پایه برهان امکان وجوب ابن سینا است.

یکی از اساسی ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.

نقش توماس اکوئیناس در بحث مغایرت وجود و ماهیت

گسترش دهنده بحث مغایرت و وجود در اروپا

پایه گذار مکتب فلسفی «تومیسیم» در اروپا

اتکاء مکتبش بیشتر به دیدگاههای ابن سینا و تاحدودی به ابن رشد.
باعث آشنایی مجدد فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد با فلسفه ارسطویی شد.

▶ بارم نمره و سوالات نهائی درس اول: هستی و چیستی (نمره) :

۱. تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد:
۲. میان انسان به عنوان یک ماهیت و وجود رابطه ذاتی برقرار است (دی ۹۹) نادرست
۳. وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند (دی ۹۹) نادرست
۴. وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنها می باشد (شهریور ۹۹) نادرست
۵. حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز دارد (دی ۹۹) نادرست
۶. در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آنها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند (شهریور ۴۰۰) درست
۷. حمل «جسم برمداد و خودکار» به دلیل نیاز دارد (خرداد ۱۴۰۰) نادرست
۸. مفهوم «وجود» بر هر ماهیتی از جمله انسان، نیازمند دلیل است. خرداد ۱۴۰۱ درست

• جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

- ۱- توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود نظریه... را پایه برهان خود در خداشناسی قراردادده بود (دی ۹۹) فرق وجود و ماهیت
- ۲- نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن سینا آشنا بود نظریه فرق وجود و ماهیت را پایه برهان خود در خداشناسی قرارداد... بوده است (شهریور ۹۹) توماس آکوئیناس
- ۳- همه موجودات از نظر وجود باهم اشتراک دارند و اختلاف آنها از جهت... می باشد (دی ۹۹) ماهیت (چیستی)
- ۴- کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که از اشیاء آگاه است. (شهریور ۱۴۰۰) وجود (هستی)

گزینه صحیح را انتخاب کنید؟

- ۱- کدام اصل پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا قرار گرفته است (خرداد ۹۹)
- ۱) مغایرت وجود و ماهیت ۲) تقدم علت بر معلول
۲- فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه
۱) افلاطون ۲) ارسطو آشنا شد. (دی ۹۹) ارسطو
- ۳- در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب، از طریق ابن سینا و ابن رشد ف مجدداً با فلسفه
۱) افلاطون ۲) ارسطو آشنا شدند (خرداد ۱۴۰۰) ارسطو

به سوال های زیر، پاسخ کوتاه بدهید:

- ۱- فیلسوفی را که در اروپا در بین قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی، دیدگاههای ابن سینا را ترویج داد، نام ببرید؟ (دی ۹۸) توماس آکوئیناس
- ۲- به ترتیب وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟ (دی ۹۹) وجود (هستی) و ماهیت (چیستی)
- ۳- چرا در حمل «شکل سه ضلعی» بر «مثلث» نمی توان از دلیل حمل سوال کرد؟ (شهریور ۱۴۰۰) چون «شکل سه ضلعی» از اجزای تعریفی «مثلث» و چیستی آن است و گویای ذات و حقیقت مثلث است.
- ۴- وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات را به ترتیب بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰) وجود (هستی) و ماهیت (چیستی)
- ۵- نوع حمل در قضیه «لوزی شکل است» با کدام یک از قضایای زیر تناسب دارد؟ خرداد ۱۴۰۱
- ۱- انسان حیوان است. ۲- انسان مخلوق است. جواب: انسان حیوان است.
- ۶- یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که نظریه مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده اند، نام ببرید. دی ۱۴۰۰- ابن سینا- توماس آکوئیناس

به سوال های زیر پاسخ کامل بدهید:

- ۱- تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «وجود» بر انسان چیست توضیح دهید (خرداد، دی ۹۹)

در عبارت «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۲- تفاوت حمل شکل سه ضلعی «بر مثلث با حمل «موجود» بر مثلث چیست؟ توضیح دهید؟ (شهریور ۹۹)

در عبارت «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل «شکل سه ضلعی» بر «مثلث» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر مثلث «در عبارت «مثلث موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.

• درس دوم: جهان ممکنات

➤ نکات کلیدی درس:

➤ نسبت های سه گانه در قضا یا:

(۱) رابطه وجوبی (۲) رابطه امکانی (۳) رابطه امتناعی

رابطه وجوبی: محمول برای موضوع خود «ضروری» و «واجب» است. عدد ۵ فرداست

رابطه امکانی: محمول برای موضوع خود ضروری نیست بلکه «ممکن» است. دیوار ماسفید است.

رابطه امتناعی: برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن است. مثلث ۴ ضلعی

جهان ذاتاً ماهیت امکانی دارد و ممکن الوجود است.

جهان چرا با وجود اینکه ممکن الوجود است اکنون هست؟ چون واجب الوجود بالغير هست.

موجودات این جهان از دو حال خارج نیستند یا واجب الوجود بالذات اند یا واجب الوجود بالغير

واجب الوجود بالذات فقط خداست؛ پس: موجودات جهان واجب الوجود بالغيرند.

نسبت های سه گانه در قضا یا:

(۱) رابطه وجوبی (۲) رابطه امکانی (۳) رابطه امتناعی

رابطه وجوبی: محمول برای موضوع خود «ضروری» و «واجب» است.

رابطه امکانی: محمول برای موضوع خود ضروری نیست بلکه «ممکن» است؛ یعنی می تواند این محمول را بپذیرد و هم می توان

نپذیرد.

رابطه امتناعی: برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که چنین چیزی برای محمول رخ

دهد.

➤ سوال: رابطه وجود با موجوداتی که در این جهان هستند از کدامیک از رابطه های سه گانه است؟

«وجود» به عنوان یک محمول، با موضوع های خود چه نسبتی دارد؛ مثلاً وقتی می گوییم «زمین هست» «انسان هست»

و «خدا هست» با زمین، انسان و خدا رابطه امکانی است یا ضروری یا امتناعی؟

جواب: رابطه برخی از این موضوع ها با «وجود» رابطه امکانی و رابطه برخی وجوبی و برخی نیز رابطه امتناعی دارند، یعنی نمی

توانند موجود باشند.

در مثال بالا: رابطه وجود با انسان و زمین امکانی است و رابطه وجود با خدا رابطه وجوبی است.

➤ بارم نمره و سوالات نهائی: درس دوم جهان ممکنات (نمره)

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۱- در قضیه «مثلث دارای چهار ضلع است» رابطه محمول با موضوع رابطه ای..... می باشد (دی ۹۹) امتناعی

۲- در قضیه «عدد ۵ فرداست» رابطه محمول با موضوع رابطه ای..... است (شهریور ۹۹) وجوبی (ضروری)

۳- در قضیه «دیوار خانه ما سفید است» رابطه محمول با موضوع خود، رابطه..... است. (شهریور ۱۴۰۰) امکانی

۴- همه اشیائی که موجودند، واجب الوجود..... هستند. دی ۱۴۰۰ بالغير

۵- همه اشیائی که به واسطه علت هایشان موجودند ف واجب الوجودند، واجب الوجود..... هستند. خرداد ۱۴۰۰ بالغير

۶- از نظر ابن سینا ، موجودات جهان واجب الوجود بالغیر هستند ولیکن بر حسب ذات خود..... می باشند..دی ۹۹ خارج از کشور
ممکن الوجود

گزینه درست را انتخاب کنید:

۱- رابطه محمول با موضوع خود، در قضیه «زمین کروی است» رابطه (۱- امکانی ۲- وجوبی) است؟ (دی ۹۹) امکانی
درستی یا نادرستی گزاره های زیر مشخص کنید.

- ۱- برگه امتحانی که در زیر دست شماست « واجب الوجود بالغیر » است . (خرداد ۱۴۰۰) درست
- ۲- در قضیه « غذای امروز شور بود » رابطه موضوع و محمول ، امتناعی می باشد. (دی ۸۷) نادرست
- ۳- مفاهیم « مربع سه ضلعی » و « پرنده » به ترتیب « واجب الوجود » و « ممکن الوجودم هستند. (خرداد ۱۴۰۱) نادرست
- ۴- حالت ممکن الوجود نسبت به وجود وعدم ف حالت ترازویی با دو کفه متعادل است. (خرداد ۱۴۰۱) درست

به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید:

۱- رابطه وجود با هر یک از موضوع های زیر وجوبی است یا امکانی یا امتناعی؟ (دی و شهریور ۹۹)
الف) مایع جامد ب) خداوند متعال ج) روح د) شریک خداند ه) دیو و) کوه الماس د) انسان
تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد.

۱- برگه امتحانی که در زیر دست شما است « واجب الوجود بالغیر » است. (خرداد ۱۴۰۰) درست

به سوالهای زیر، پاسخ کامل بدهید؟

۱- «رابطه امتناعی» را با ذکر مثال تعریف کنید. (خرداد ۹۹)

اگر در قضیه ای برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن (محال) باشد رابطه آن ها امتناعی است. مثلا عدد ۸ فرد است.
۲- اگر در قضیه ای برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن باشد رابطه آنها امتناعی است. مثلا مثلث ۴ ضلع دارد.
رابطه وجود با هر یک از موضوعات زیر از نوع ضرورت است یا امکان یا امتناع؟ (شهریور ۱۴۰۰)

سیاه سفید	دریایی گیوه	پرنده
الف:.....	ب:.....	ج:.....

الف: رابطه امتناعی (محال و غیر ممکن) ب: رابطه امکانی ج) رابطه امکانی

۳- بر اساس نسبت های سه گانه در قضایا، جدول را کامل کنید. (خرداد ۱۴۰۰)

الف:.....	مثال برای رابطه امکانی.....	ج:.....
عدد ۲۵ فرد است.	ب:.....	مربع، سه ضلعی است.

الف: رابطه وجوبی (حتمی یا ضروری) ب: انسان مهندس است. ج: رابطه امتناعی (محال و غیر ممکن)

۴- واجب الوجود بالغیر» را تعریف کنید؟ دی ۹۹

همان ممکن الوجود است که بالذات وجود برایش ضرورت ندارد اما بعد از وجود، ضرورتش از ناحیه واجب الوجود بالذات نشئت گرفته است، که آن را به وجود آورده است.

۵- رابطه وجود با هر یک از مفاهیم ذکر شده در جدول ، از نوع ضرورت است یا امکان یا امتناع؟ دی ۱۴۰۰

دیو	مثلث چهار ضلعی	خدا
الف:.....	ب:.....	ج:.....

الف: رابطه امکانی ب: رابطه امتناعی + محال غیر ممکن) ج: رابطه وجوبی (حتمی یا ضروری)

۶- رابطه میان موضوع و محمول در قضیه «عدد هفت زوج است» کدام است؟ ۱- امکانی ۲- امتناعی (خرداد ۱۴۰۱) امتناعی

۷- تعیین کنید که رابطه وجود با هر یک از موارد زیر «وجوبی» است یا «امکانی» یا «امتناعی» است؟ الف: دیو ب: شریک خدا
شهریور ۹۹ الف امکانی ب: امتناعی

۸- رابطه وجود با هریک از موارد زیر « ضروری » است یا « امکانی » یا « امتناعی » ؟ الف: انسان ب: شریک خدا ج: مثلث

چهارضلعی **دی ۹۹** خارج از کشور الف: امکانی ب: امتناعی ج: امتناعی

۹- تعیین کنید که رابطه وجود با هریک از موارد زیر « وجوبی » است یا « امکانی » یا « امتناعی » ؟ الف: روح ب: شریک خدا **دی ۹۹**

الف: امکانی ب: امتناعی

۱۰- رابطه هریک از مفاهیم زیر را با محمول وجود تعیین نمایید (واجب ، ممکن ، ممتنع)

الف) شریک خدا ب) کوه الماس ج) انسان د) خداوند **دی ۹۸**

الف: امتناعی ب: امکانی ج: امکانی د: وجوبی

► درس سوم: جهان علی و معلولی

➤ رابطه علیت:

۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی است

۲- شاید نخستین مسئله ای که فکریش را به خود متوجه کرده است.

۳- رابطه ای وجودی است چون یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود وهستی می دهد.

۴- مانند روابط دیگر نیست (مثلاً رابطه دوستی) که در آن ابتدا وجود فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقراری گردد.

► منشاء پذیرش درک رابطه علیت از دیدگاه فلاسفه اروپایی

دو دیدگاه در میان فلاسفه اروپایی ۱- عقل گرایان ۲- تجربه گرایان

فلاسفه عقل گرا (دکارت):

۱- بدون دخالت تجربه بدست می آید. ۲- جزء مفاهیم اولیه بدیهی (ذهن) است. (نیاز به دلیل ندارد) ۳- انسان از آن درک فطری دارد.

فلاسفه تجربه گرا (آمپریست ها)

انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.

➤ هیوم:

امکان معرفت و درک علیت را از طریق استدلال عقلی بدون کمک تجربه رد می کند.

معتقد است درک اصل علیت از طریق حس و تجربه ممکن نیست چون فراتر از حس است.

منشاء اعتقاد به علیت را یک عادت ذهنی یعنی امر روانی ناشی از توالی پدیده ها و آن را تداعی می نامد.

► منشاء پذیرش درک رابطه علیت از دیدگاه فلاسفه مسلمان

۱- اصل علیت یک اصل وقاعده عقلی است. ۲- ذهن انسان ابتدایه محال بودن اجتماع نقیضین پی می برد

۳- زیرا چیزی خودش به خودش وجود نمی دهد.

➤ وجوب علی و معلولی:

آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد علت است.

معلول با قطع نظر از علت ، امکان ذاتی است.

علت به معلول خود ابتدا ضرورت می بخشد سپس معلول وجود پیدا می کند.

➤ سنخیت علت و معلول:

یعنی هر علتی معلول خاص خود را به دنبال دارد و هر معلولی از علت خاص خود به وجود می آید نه هر علتی

► نتایج سنخیت

وجوب علی و معلولی:

رابطه حتمیت و تخلف ناپذیری در جهان

سنخیت علت و معلول

انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد.

با قبول آن می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد.

دانشمندان با تکیه بر همین اصل تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند.

• **بارم نمره و سوالات نهائی درس سوم جهان علی و معلولی (۵/انمره)**

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدامیک غلط می باشد.

۱- دیوید هیوم اصل علیت را یک اصل تجربی می داند. (دی ۹۹) نادرست

۲- وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود علت مشروط به وجود معلول می باشد. (خرداد ۹۹)

۳- از نظر فیلسوفان مسلمان، انسان به طور مادرزادی با اصل علیت آشنا است. (شهریور ۱۴۰۰)

۴- رابطه علیت، رابطه ای وجودی است، مانند رابطه ای که میان دو دوست وجود دارد. (خرداد ۱۴۰۰) نادرست

۵- از نظر فیلسوفان مسلمان، انسان به طور مادرزادی با اصل علیت آشناست. شهریور ۱۴۰۰ نادرست

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۱- رابطه علیت مانند رابطه دوستی نیست بلکه رابطه است. (دی ۹۹) وجودی

۲- دیوید هیوم که اساساً تجربه گراست امکان معرفت از طریق و بدون را رد می کند. (دی ۹۹) عقلی - تجربی

به سوال های زیر، پاسخ کوتاه بدهید:

۱- از نظر دکارت، درک رابطه علیت توسط انسان به صورت (۱: حسی و تجربی ۲: فطری) است. دی ۱۴۰۰ ۲: فطری

۲- گزاره مقابل نظر کیست؟ «اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست می آید». ۱- هیوم ۲- ابن سینا دی ۹۹ خارج

از کشور ۲- ابن سینا

۳- از نظر فلاسفه مسلمان، کشف علل امور طبیعی از طریق (۱: حس و تجربه ۲: عقل) صورت می گیرد. دی ۹۹ خارج ۱: حس و تجربه

۴- نتیجه و لازمه اصل «سنخیت میان علت و معلول» چیست؟ دی ۹۹ نظم و قانونمندی میان دسته های مختلف پدیده ها

۵- از طریق اصل (۱: سنخیت ۲: ضرورت) علت معلول است که می توان برای نظم دقیق جهان، پشتوانه علمی قائل شد. شهریور ۱۴۰۰

۱: سنخیت

۶- نتیجه هر کدام از «اصل وجوب بخشی علت به معلول» و «اصل سنخیت میان علت و معلول» را به ترتیب بنویسید. شهریور ۹۹

تخلف ناچیزی و حتمیت در نظام هستی - نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها.

۷- هر یک از اصول روبرو چه نتیجه ای را در پی دارد؟ الف) اصل علیت ب) اصل سنخیت دی ۹۸

الف) ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشاء آن ب) نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

به سوالهای زیر، پاسخ کامل بدهید:

۱- نظر دیوید هیوم را درباره علیت با ذکر مثال شرح دهید. (خرداد ۹۹)

۲- چگونگی درک رابطه علیت را از نظر دیوید هیوم به اختصار بنویسید؟ (دی ۹۹)

۳- نظر دیوید هیوم را درباره «علیت» با ذکر مثال شرح دهید. خرداد ۱۴۰۰

به نظر دیوید هیوم تنها راه شناخت واقعیات، حس و تجربه است، اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان

از حس و تجربه بدست آورد. از نظر او اعتقاد به علیت در نزد انسان، ناشی از عادت ذهنی است که یک امر روانی بر اثر توالی

و پشت سرهم آمدن پدیده ها است.

۴- سنخیت علت و معلول را با ذکر مثال تعریف کنید؟ (خرداد و شهریور ۹۹)

انسان درک می کند که هر علتی، معلول خاص خودش را پدید می آورد و نیز درک می کند که هر معلولی از علت خاصی صادر

می شود و پدید می آید؛ مثلاً برای باسواد شدن باید درس بخواند.

۵- سنخیت علت و معلول یعنی چه و نتیجه آن چیست؟ دی ۹۹ خارج کشور

هر علتی معلول خاص خودش را پدید می آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. نتیجه آن؛ نظم و قانونمندی معین میان دسته های مختلف پدیده ها

۶- رابطه علیّت را تعریف کنید و تفاوت آن را با سایر روابط بنویسید؟ (شهریور ۹۹ و ۱۴۰۰)

۷- رابطه علیّت را تعریف نموده و تفاوت آن را با سایر روابط با ذکر مثال شرح دهید؟ (شهریور ۱۴۰۰)

رابطه ای وجودی است، یعنی یکی وجودش وابسته به دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آن ها دوستی برقرار می گردد.

۸- تفاوت رابطه علیّت با سایر روابط را با ذکر یک مثال توضیح دهید؟ دی ۱۴۰۰

در رابطه علیّت یا همان رابطه وجودی، وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است و اگر علت باشد، معلول آن هم حتماً خواهد بود و اگر علت نباشد، معلول هم نخواهد بود. این رابطه با روابط دیگری که میان موجودات برقرار است تفاوت دارد، مثلاً رابطه علیّت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.

۹- از نظر فیلسوفان مسلمان، چرا پدیده ها نمی توانند خود به خود بوجود آیند؟ (دی ۹۸ و ۹۹ و خرداد ۹۹)

۱۰- نظر فلاسفه مسلمان را در مورد اصل علیّت بنویسید؟ (دی و شهریور ۹۹)

۱۱- نظر فلاسفه مسلمان را در مورد نحوه ی درک «اصل علیّت» بنویسید؟ شهریور ۹۹

۱۲- از نظر فلاسفه مسلمان منشاء اعتقاد به علیّت چیست؟ توضیح دهید؟ دی ۱۴۰۰

۱۳- از نظر فلاسفه مسلمان چگونه می توان از اصل امتناع اجتماع نقیضین، نتیجه گرفت که پدیده ها خود به خود به وجود نمی

آیند؟ دی ۹۸

همین که ذهن انسان شکل گرفت، متوجه می شود که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی شود؛ یعنی در می یابد که یک چیز، نمی تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد، یا هست و یا نیست. نیز در می یابد که یک چیز نمی تواند هم خودش باشد، هم غیر خودش؛ مثلاً نمی شود که مثلث، هم مثلث باشد و هم غیر مثلث. این قاعده را منطق دانان و فیلسوفان، اصل امتناع اجتماع نقیضین نامیده اند. انسان، بر اساس این اصل در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبل باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد، و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

گزینه درست را انتخاب کنید.

۱- از طریق اصل (۱: سنخیت ۲: ضرورت) علت و معلول است که می توان برای نظم دقیق جهان، پشتوانه عقلی قائل شد (شهریور ۱۴۰۰)

۱: سنخیت

۲- از نظر فلاسفه مسلمان، کشف علل امور طبیعی از طریق (۱: حس و تجربه ۲: عقل) صورت می گیرد. (خرداد ۱۴۰۰) عقل

درستی یا نادرستی گزینه های را مشخص کنید.

۱- رابطه علیّت رابطه ای وجودی است، مانند رابطه ای که میان دو دوست وجود دارد. خرداد ۱۴۰۰ نادرست

۲- دیوید هیوم، اصل علیّت را یک اصل تجربی می داند. دی ۹۹ نادرست

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۱- رابطه علیّت مانند رابطه دوستی نیست، بلکه رابطه ای..... است. دی ۹۹ وجودی

۲- دیوید هیوم، که اساساً تجربه گرا است، امکان معرفت از طریق استدلال..... و بدون..... را رد می کند. دی ۹۸ عقلی-تجربه

تعیین کنید که هر یک از گزاره های زیر عقیده کدام فیلسوف است؟ خرداد ۱۴۰۱

الف) تداعی علیّت، چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی پدیده هاست.

ب) اصل علیّت، جزء اصول اولیه ای است که درک انسان از آن فطری است. الف) هیوم ب) دکارت

• درس چهارم : کدام تصویر از جهان؟

• مباحث کلیدی درس

➤ کاربرد کلمه اتفاق – لوازم علت در جهان – معانی اتفاق – بررسی معانی اتفاق

• تأثیر پذیرش علت بر تصویر ذهنی از حقیقت جهان:

➤ آیا امور جهان تابع نظم، پیوستگی، حتمیت و دنبال هدفی خاص هستند؟

➤ یا امور جهان اتفاقی هستند؟

• کاربرد کلمه اتفاق:

❖ نزد مردم: درگفت وگوهای روزمره همه اقوام و ملل کاربرد دارد.

❖ نزد دانشمند و فیلسوف:

❖ دموکریتوس (فیلسوف): نظریه تشکیل تصادفی عناصر

❖ ماده اولیه تشکیل دهنده جهان ، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم اند که در فضا سرگردان و بی هدف در حرکت بوده اند

گاهی هم به هم برخورد می کرده اند همین برخورد اتفاقی اتم ها باعث پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.

❖ داروین (زیست شناس): نظریه تکامل تصادفی جانداران:

❖ فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان اتفاقا سازگار با محیط بوده است به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند و اگر در این

میان تکاملی رخ داده، اتفاقی بوده است.

❖ برخی فیزیکدانان امروزی: نظریه بینگ بنگ (مه بانگ)

آغاز جهان فیزیکی با یک انفجار ناگهانی بوده که منجر به گسترش تدریجی جهان کهکشانی شده است. این بیان دانشمندان به گونه ای است که مفهوم اتفاق را به ذهن متبادر می کند.

▶ اقدام موثر فیلسوفان در مواجهه با مفاهیم عامیانه مانند شانس و اتفاق:

▶ ۱- دقت ۲- نقد ۳- تصحیح ۴- تعمیق

▶ دیدگاه ابن سینا در مورد اتفاق:

❖ ۱- در مهم ترین کتاب خود (بخش الهیات از کتاب شفا درباره آن سخن گفته

❖ ۲- تلاش کرده نظر مردم را در مورد (اتفاق و شانس) تصحیح کند

▶ معانی اتفاق:

❖ معنای اول: (تعریف) میان پدیده ها و علل آن ها رابطه ضروری وجود ندارد.

➤ مثال ۱: همه عوامل پیدایش باران موجود باشد، اما باران نیارد.

➤ مثال ۲: بدون وجود ابر و بدون هیچ علتی، خود به خود باران بیارد.

✓ بررسی معنای اول:

➤ الف) همه فیلسوفان باین معنای اتفاق مخالف بوده و آن را انکار می کنند.

➤ ب) اینها می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول برقرار هست.

➤ ج) پدید آمدن موجود خودبه خودی و بدون علتی که به آن وجود ببخشد، امکان ندارد

➤ د) اگر علت تامه محقق شد ، وجود معلول ضروری خواهد شد.

➤ ه) ناآگاهی برخی از مردم از تمام اجزای یک علت (علت های ناقصه) باعث این پندار نزدشان شده که در برخی موارد، در عین وجود علت،

معلول پدید نیامده است لذا می پندارد که میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد.

➤ **تعریف علت ناقصه و علت تامه:**

➤ **علت ناقصه:** اگر تنها یک یا چند عامل از عوامل پدید آمدن معلول موجود باشند، وجود معلول هنوز حتمی و ضروری نشده است. علت ناقصه: فقط شرط لازم برای تحقق معلول است.

➤ **علت تامه:** اگر تمامی عوامل پدید آمدن معلول فراهم شوند، علت تامه محقق شده، و وجود معلول ضروری و حتمی است. علت تامه: شرط لازم و کافی برای تحقق معلول است.

❖ **معنای دوم:** (تعریف) میان اشیاء و آثار آنها سنخیتی برقرار نیست. چه بسا از یک پدیده اثری ظاهر شود که هیچ ربطی به آن ندارد

➤ مثال: حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود

✓ **بررسی معنای دوم:**

✓ الف) اتفاق به این معنا، از نظر بسیاری از فلاسفه مسلمان و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست

✓ ب) چون قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت میان علت و معلول هست

✓ ج) عدم قبول و پذیرش سنخیت اتفاقاتی را به دنبال دارد: (۱) دست به هیچ کاری نمی توان زد (۲) نظم و هماهنگی موجود

در طبیعت قابل تبیین نیست (۳) همه علوم بی اعتبار خواهند شد و نمی توان از دانشمندان برای تحقیق دعوت کرد

❖ **معنای سوم (تعریف):** نبودن غایت و هدف در حرکات و نظم جهان. به این معنا که حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف معینی پیش نمی رود.

✓ **بررسی معنای سوم:**

❖ (۱) این معنای سوم اتفاق، یعنی قبول نکردن هدف برای کل و مجموعه جهان هست

❖ (۲) هدفمند بودن جهان یعنی: رسیدن حوادث و رخدادها به هدف از قبل مشخص و تعیین شده است.

❖ (۳) فقط *عله العلل* (خدا) که جهان را آفریده می تواند هدف را مشخص کرده و تعیین کند

❖ (۴) قبول کردن این معنای اتفاق معمولاً مستلزم نفی علت نخستین یا *عله العلل* (خدا) هست

❖ (۵) فلاسفه نسبت به این معنای اتفاق، نظرات متفاوتی دارند:

❖ الف) دسته اول: علت نخستین و آفریننده برای جهان را اثبات می کنند، این معنای اتفاق را انکار می کنند ((یعنی همه حوادث جهان را ابتدا تاکنون و آینده، در جهت یک هدف از پیش تعیین شده قرار دارند)) به عبارتی جهان را در حال حرکت به سوی کمال می دانند که مرحله به مرحله کامل ترمی شود

❖ ب) دسته دوم: به خداوند به عنوان علت نخستین اعتقادی ندارند و هدفمند بودن حوادث را انکاری می کنند و فرایند تکاملی در جهان را امری اتفاقی دانسته که از پیش تعیین شده نیست.

❖ **معنای چهارم:** (تعریف): رخ دادن حادثه پیش بینی نشده

➤ **مثال:** شخصی برای خرید به فروشگاهی مراجعه می کند و دوست خود را در آن فروشگاه می بیند؛ بدون اینکه از قبل از آمدن دوستش خبر داشته باشد.

✓ **بررسی معنای چهارم:**

✓ الف) با هیچ از اصول و لوازم علیت مخالف نیست ب) مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است

بارم نمره درس چهارم کدام تصویر از جهان؟ (۱ نمره)

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید.

۱- نظر دموکریتوس درباره ماده اولیه تشکیل دهنده جهان و نحوه پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان را بنویسید؟ **خرداد ۹۹ -**
دموکریتوس معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیر متناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند و برخوردهایی با هم داشته اند. در این برخوردهای اتفاقی، ذراتی که هم اندازه و هم شکل بوده اند گردهم آمده و عناصر اصلی عالم طبیعت را تشکیل داده اند.

۲- کدام دسته از فیلسوفان «اتفاق» را به معنای «نفی غایت‌مندی» قبول ندارند، نظر آن‌ها را شرح دهید. **خردادوشهریور ۹۹**
آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم اصل علت به علت‌العلل معتقدند، می‌گویند؛ هرفرایند طبیعی هدف خاصی را تعقیب می‌کند و سرمنزلی تعیین شده دارد. اگر چه انسان‌ها به دلیل محدودیت‌های علمی نتوانند این اهداف را کشف کنند.

به سوالات زیر کوتاه پاسخ بدهید.

۱- «علت تامه» و «علت ناقصه» را تعریف کنید؟ **خرداد ۱۴۰۱**

مجموعه عوامل ایجادکننده معلول را علت تامه می‌گویند. هر یک (از عوامل پدیدآورنده یک معلول) به تنهایی را علت ناقصه می‌گویند.

۲- علت تامه را با ذکر مثال تعریف کنید. **دی ۹۸**

مجموعه عوامل ایجادکننده معلول را علت تامه می‌گویند. مثلاً نوشتن روی کاغذ، معلول عواملی از قبیل انسان، قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و حرکت دست می‌باشد و نوشتن وقتی محقق می‌شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند.

۳- اگر کسی بگوید در برخی موارد، درعین وجود علت تامه، معلول به وجود نمی‌آید، این فرد، «اتفاق» به کدام معنا را پذیرفته است؟

الف) نفی علت (ب) نفی ضرورت **خرداد ۹۹** ب) نفی ضرورت

۴- به هر یک از عوامل پدیدآورنده یک معلول، علت (۱: تامه ۱: ناقصه) می‌گویند. **دی ۹۹** ناقصه

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۱- قبول غایت‌مندی در جهان فقط با قبول علت نخستین و..... امکان پذیر است. **دی ۹۹** علت‌العلل

۲- به هر یک از عواملی که در پدید آمدن یک معلول دخالت دارند، علت..... می‌گویند. **خرداد ۹۹** ناقصه

► درس پنجم: خدا در فلسفه قسمت اول

➤ اندیشه درباره خدا:

۱) اندیشه‌ای دیرین در تمام جوامع بشری است.

چون: الف) گزارش‌های تاریخی

ب) و کتاب‌های آسمانی بیانگر آن است.

۲) حکیمان و فرزندانگان جوامع در همراهی با پیامبران الهی تلاش می‌کردند دریافتی درست و به دور از جهل و خرافات از خداوند به مردم عرضه کنند.

► نظر فیلسوفان درباره خدا و مبداء هستی ۱- دوره یونان باستان ۲- دوره جدید اروپا

۱- دوره یونان باستان

الف) مردم: اعتقاد به خدایان متعدد

➤ ب) فیلسوفان:

سقراط: انکار خدایان متعدد

افلاطون: صحبت درباره خدا با دقتی فلسفی و استدلالی

ارسطو: تلاش کرد برهان‌هایی بروجود خدا و مبداء نخستین ارائه کند.

• نظر فیلسوفان درباره خدا و مبداء هستی

۱- دوره یونان باستان

الف) مردم:

اعتقاد به خدایان متعدد

هر کدام را مبداء و منشاء یک حقیقت در جهان می‌شمردند.

زئوس: خدای آسمان و باران

آپولون: خدای موسیقی و هنر

آرتمیس: خدای عفت و خویشتن داری
نحوه برخورد با انکار خدایان: عدم اجازه توهین، طرد از جامعه، از دست دادن جان خود

• نظر فیلسوفان درباره خدا و مبداء هستی

ب) فیلسوفان:

۱) سقراط:

اتهام اصلی: انکار خدایان متعدد و سخن گفتن از خدایی جدید بود.

۲) افلاطون:

الف) با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کرد

ب) به تدریج پندارها را در مورد خدا اصلاح کرد.

ج) تیلور می گوید: افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.

چرا از نظر تیلور چند خدایی یا همان شرک نمی تواند نظم حکیمانه جهان را تبیین کند؟

چون چند خدایی ها اعتقاد داشتند که میان خدایان اختلاف و جنگ رخ می دهد و هر کدام از آنها می خواهد بر دیگران چیره شود لذا این اعتقاد، تفاوتی با بی خدایی ندارد.

• نظر فیلسوفان درباره خدا و مبداء هستی

➤ خدا از نظر افلاطون:

۱- کار خداوند هدفدار است.

۲- خداوند افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است.

۳- دیدگاه افلاطون درباره خدا با چند خدایی یونان متفاوت است.

۴- پیوسته ثابت است.

۵- نه می زاید و نه از میان می رود.

۶- نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود به چیز دیگری فرومی شود.

۷- نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است.

۸- فقط با «تفکر و تعقل» می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.

• نظر فیلسوفان درباره خدا و مبداء هستی

➤ افلاطون از خداوند با چه عنوان هایی یاد می کند؟ (توصیف افلاطون از خدا)

۱- مثال خیر: همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به «مثال خیر» هستند، نه خود آن.

۲- خالق: گاهی نیز از خدا به عنوان «خالق» و آفریننده این عالم یاد می کند.

• نظر فیلسوفان درباره خدا و مبداء هستی

➤ ارسطو:

ارسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد:

۱) برهان هایی بر وجود خدا و مبداء نخستین جهان ارائه کند.

۲) این استدلال ها، گرچه قدم های اولیه بوده اند، از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعدی فراهم می کنند.

• نظر فیلسوفان درباره خدا و مبداء هستی

➤ برهان های ارسطو بر اثبات وجود خدا و مبداء نخستین

➤ (۱) برهان درجات کمال:

مقدمه اول: هر جا که یک خوب و بهتر وجود دارد خوب ترین و بهترینی هست.

مقدمه دوم: در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگر هستند

نتیجه: حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که «واقعیت الهی» است.

➤ (۲) برهان نظم:

مقدمه اول: بر جهان نظم و انتظام حاکم است.

مقدمه دوم: نظم بدون موجودی (ناظم) جاویدان و برتر از ماده ممکن نیست.

نتیجه: پس جهان ناظمی جاویدان و برتر از ماده دارد که «خداوند» است.

➤ (۳) برهان حرکت:

مقدمه اول: در عالم حرکت وجود دارد.

مقدمه دوم: وجود حرکت نیازمند محرکی است که خود حرکت نداشته باشد.

نتیجه: جهان دارای محرکی است که حرکت و تغییر ندارد.

• نظر فیلسوفان درباره خدا و مبداء هستی ۲- دوره جدید اروپا

پیدایش دوجریان عقل گرا و تجربه گرا در دوره جدید اروپا

➤ ۱- استدلال دکارت، فیلسوف عقل گرای قرن ۱۷:

مقدمه اول: تصویری از موجود نامتناهی و علیم و قدیر در ذهن دارم.

مقدمه دوم: این تصویر نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام.

نتیجه: پس این تصویر از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است «خداوند» است. اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

➤ ۲- دیوید هیوم، فیلسوف حس گرا و تجربه گرای قرن ۱۸:

او منکر اثبات خداوند از طریق عقل است.

دلایل عقل گرایان را قابل نقد می دانست.

دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند، مردودند.

چون: عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

➤ انتقاد دیوید هیوم بر برهان نظم:

الف) مهمترین برهان فیلسوفان الهی برهان نظم است که از تجربه گرفته شده است.

ب) این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد.

ج) این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و مدیر این را اداره می کند

د) این برهان ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و واجب الوجود است.

➤ ۳- کانت، فیلسوف عقل گرای قرن ۱۸ آلمان:

اوضورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

برهان کانت در اثبات وجود خدا:

(۱) انسان موجودی اجتماعی است.

(۲) زندگی جمعی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آنها امکان پذیر نیست.

(۳) رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند.

(۴) اختیار اراده ویژگی بدن نیست بلکه باید ویژگی نفس غیرمادی باشد.

- ۵) بعد غیرمادی انسان بهره مند از وجدان اخلاقی است.
- ۶) این روح و نفس چون موجودی غیرمادی و جاودانه است برای سعادتش به جهان ماورائی غیرمادی نیاز دارد.
- ۷) چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است نتیجه: پس خدای جاودان و نامتناهی وجود دارد.

• **خدا و معنا داری زندگی**

➤ **عوامل سست کننده پایه های اعتقاد به خدا در جامعه اروپایی**

- ۱) رشد تفکر حسی و حس گرایی
 - ۲) ظهور فیلسوفانی که جهان و انسان را نیز موجودی مادی می شمردند.
- نتیجه این نوع تفکر در جامعه اروپایی:
- ۱) محدود شدن معنا و مقصود زندگی به اهداف مادی
 - ۲) زندگی فاقد جنبه های متعالی خود گردید.
 - ۳) بحران معناداری زندگی پدید آمد.
- تاثیر این نوع تفکر بر آراء و نظریات برخی فیلسوفان اروپایی:
- استفاده برخی از فیلسوفان غربی از تجربه های معنوی و عشق و عرفان برای خداوند فیلسوفانی نظیر: (کرگور فیلسوف دانمارکی، ویلیام جیمز فیلسوف آمریکایی، برگسون فیلسوف فرانسوی)

➤ **دیدگاه کرگور فیلسوف دانمارکی در مورد خدا و معناداری زندگی:**

- ۱) ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند.
 - ۲) خدا انسان مومن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند.
 - ۳) اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی راسپری خواهد کرد.
- ویلیام جیمز فیلسوف آمریکایی در مورد خدا و معناداری زندگی:
- من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.

➤ **نتیجه بحران معناداری زندگی:**

ظهور فیلسوفانی که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد، دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای خواهد شد. (ظهور فیلسوفانی که از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خدا استفاده کردند)

➤ **تعریف زندگی معنادار:**

- الف) زندگی دارای غایت و هدف.
- ب) سرشار از ارزش های اخلاقی.
- ج) انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند.
- د) آرامشی بر تر به انسان می دهد.

➤ **دیدگاه کاتینگهام در مورد خدا و معناداری زندگی:**

- ۱) قبول خدادار زندگی آن را بارزش و با اهمیت قرار می دهد.
- ۲) عامل معنا بخشی به زندگی شد.
- ۳) مآمن و پناهگاه انسان در این جهان بیگانه

• **بارم نمره و سوالات نهائی درس پنجم خدادار فلسفه قسمت اول (۵/ انمره)**

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد:

- ۱- ارسطو گفته است که نمی شود یک نظم بر جهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی بر ترازماده در کار باشد (دی ۹۹) درست

۲- ویلیام جیمز معتقد است که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است (دی ۹۹) درست
۳- دکارت می گوید تصور من از حقیقتی نامتناهی وعلیم و قدیر نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی هستم. (شهریور ۹۹) درست

- ۴- از نظر کانت ، اختیار واراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد. (شهریور ۹۹) درست
۵- ارسطو معتقد بود که بدون موجودی جاودان و برتر از ماده، وجود نظم و انتظام در جهان محال است. (دی ۹۸) درست
۶- به نظر تیلور، افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است. (خرداد ۹۹) درست
۷- ویلیام جیمز معتقد است که دلیل وجود خداوند ، عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. دی ۹۹ درست
۸- افلاطون در مواردی از خداوند با عنوان «مثال خیر» یاد می کند. دی ۱۴۰۰ درست

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

- ۱- کانت ضرورت وجود خدا را از طریق اثبات کرده است. (دی ۹۸) اخلاق
۲- یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی می گوید؛ افلاطون ابداع کننده فلسفی است. دی ۹۹ خارج کشور خداشناسی

گزینه صحیح را انتخاب کنید:

- ۱- کدامیک از خدایان یونان باستان نبود؟ ۱- مزدا ۲- زئوس (دی ۹۹) مزدا
۲- به نظر کدام فیلسوف اروپایی، برهان نظم برای اثبات خالق نامتناهی کافی نیست. (دی ۹۹) ۱- هیوم ۲- دکارت ۱- هیوم
۳- حکمای ایران باستان نخستین پرتو مخلوق خداوند را چه نامیده اند؟ ۱- مزدا ۲- بهمن (شهریور ۹۹) ۲- بهمن
۴- به نظر کدام فیلسوف اروپایی دلایل اثبات وجود خداوند که صرفاً متکی بر عقل باشند مردود هستند؟ ۱- هیوم ۲- دکارت (شهریور دی ۹۹) ۱- هیوم

- ۵- استدلال دکارت برای اثبات وجود خدا مبتنی بر کدام مورد است؟ (خرداد ۹۹) الف) داشتن تصور از خالق نامتناهی ب) داشتن وجدان اخلاقی الف) داشتن تصور از خالق نامتناهی
۶- از نظر کانت ، اختیار واراده ویزگی (۱: بدن ۲: نفس) است. (خرداد ۱۴۰۰) ۲: نفس

هریک از عبارات زیر عقیده کدام فیلسوف است؟

- الف) از سوی دیگر نوعی از هستی است که نه می زاید و نه از میان می رود. (خرداد ۹۹) افلاطون
ب) ایمان هدیه الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. (خرداد دی ۹۹ و ۹۸) کرکگور
ج) دلیل وجود خداوند، عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. (دی ۹۹ و ۹۸) ویلیام جیمز
د) ضرورت وجود خداوند، از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی امکان پذیر است. (دی ۹۹) کانت
ه) وجود حرکت در عالم، نیازمند یک محرکی است که خود آن، حرکت نداشته باشد. (کانت- ارسطو- افلاطون) (شهریور ۱۴۰۰) ارسطو
و) وجود جهانی ماورای دنیای مادی، مشروط به وجود خدائی جاودان و نامتناهی است. (کانت- ارسطو- افلاطون) (شهریور ۱۴۰۰) کانت
ز) قبول خداوند ، زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش می سازد. دی ۱۴۰۰ کاتینگهام
ح) اثبات ضرورت وجود خداوند از طریق وظایف اخلاقی امکان پذیر است. دی ۹۸ و دی ۱۴۰۰ کانت
ط) یا خدایی نیست یا نمی توانیم او را اثبات کنیم. دی ۹۸ هیوم

پاسخ کوتاه:

- ۱- کانت برای اثبات وجود خداوند از چه مفهومی استفاده کرد؟ (دی ۹۹) وظایف اخلاقی یا اخلاق
۲- دو فیلسوف اروپایی را که از تجربه های درونی و عشق و عرفان الهی برای اثبات خدا استفاده کرده اند نام ببرید؟ (شهریور ۱۴۰۰ و ۹۹) کرکگور- ویلیام جیمز- برگسون- کاتینگهام
۳- ارسطو برای اثبات وجود خدا از دو برهان استفاده نمود. آنها را بنویسید. خرداد ۱۴۰۱ برهان درجات کمال- برهان حرکت

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید؟

- ۱- برهان حرکت ارسطو مبنی بر اثبات وجود خداوند بنویسید. (دی ۹۹)

۲- یکی از برهان های ارسطو را بر اثبات وجود خدا و مبداء نخستین بنویسید. **شهریور ۹۹**

۳- «برهان حرکت ارسطو» را مبنی بر اثبات وجود خداوند بنویسید. **خرداد ۱۴۰۰**

وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرکی است که خود آن، حرکت نداشته باشد؛ زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند محرک دیگر است و آن نیز نیازمند محرک دیگر و این منجر به تسلسل می شود که عقلا محال است.

۲- افلاطون خداوند را چگونه توصیف کرده است؟ **(دی ۹۹)**

درسوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود. نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت.

۴- از نظر هیوم مهمترین برهان فیلسوفان الهی کدام است و دلیل ناتوانی آن برهان، برای اثبات یک وجود ازلی وابدی و نامتناهی چیست؟ **(خرداد ۹۹)**

۵- انتقاد هیوم بر «برهان نظم» را توضیح دهید. **دی ۱۴۰۰**

برهان نظم که از تجربه گرفته شده است. این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و مدبر این جهان را اداره می کند. اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و واجب الوجود است.

۶- استدلال کانت بر اثبات وجود خداوند را توضیح دهید. **(شهریور ۱۴۰۰)**

۷- استدلال «دکارت» بر اثبات وجود خدا، را در قالب دومقدمه و یک نتیجه بنویسید. **خرداد ۱۴۰۰**

من از حقیقتی نامتناهی وعلیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگر به وسیله او خلق شده ایم تصویری دارم. این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی هستم. پس این تصور از وجودی نامتناهی است.

هر یک از عبارات زیر نظر کدام فیلسوف درباره خدا است؟ (خرداد ۱۴۰۰)

- الف) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است. افلاطون
ب) تصور انسان از یک موجود علیم و قدیر و نامتناهی، از جانب خداوند داده شده است. دکارت
ج) ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. کرکگور
۱- کرکگور
۲- افلاطون
۳- کانت
۴- دکارت

• **درس ششم: خدا در فلسفه قسمت دوم**

➤ **بحث فیلسوف درباره خدا، تا چه زمانی فلسفی است (ویژگی خداشناسی فلسفی)**

۱- از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی استفاده کند.

۲- نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

در نتیجه: فیلسوف کسی نیست که عقیده ای نداشته باشد، بلکه:

۱- کسی است که بر اساس قواعد فلسفی عقیده ای راپبذیرد.

۲- با قواعد فلسفی از عقیده اش دفاع کند.

➤ **ویژگی فیلسوف معتقد به خدا:**

۱- از طریق استدلال، به خدا اعتقاد پیدا کرده است. ۲- از طریق استدلال از خدا دفاع می کند.

➤ **راه های اثبات وجود خدا نزد فیلسوفان مسلمان:**

۱) امکان پذیر بودن اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی

۲) تلاش برای توضیح استدلال های طرح شده بایبانی بسیار دقیق

۳) ارائه استدلال جدید

➤ **برهان فارابی برای اثبات وجود خدا:**

الف) در جهان پیرامون ما اشیا یی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول هستند

ب) معلول حتماً علتی دارد که مقدم بر خود است و به او وجود وهستی می دهد.

ج) اگر معلول فعلی علتی داشته باشد و خود آن علت، معلول برای علتی دیگر، سلسله علت و معلول های نامتناهی تشکیل می شود در حالی که سلسله علل نامتناهی باطل است.

د) نتیجه: پس در ابتدای زنجیره علت ها باید یک علت وجود داشته باشد که خودش معلول نباشد بلکه علت العلل یا خداوند است.

➤ چرا تسلسل علت های نامتناهی باطل است؟

الف) اگر سلسله علت ها بخواهد تابی نهایت به عقب برگردد به معنای آن است که آغاز و ابتدایی در کار نیست (ابتدا خودش هم معلول می شود و باز نیاز به علت)

ب) علت العللی نخواهد بود که معلول علت دیگری نباشد.

نتیجه: اصلاً چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست.

خلاصه: اگر همه حلقه های زنجیره معلول باشند و منتهی به علت العلل نشوند چنین چیزی باطل بوده و در واقع زنجیره ای بدون ابتدا اصلاً تشکیل نمی شود.

چگونه می توان زنجیره بدون ابتدا تصور کرد این تناقض هست.

➤ استدلال ابن سینا برای اثبات وجود خدا (برهان وجوب و امکان)

ابن سینا با اینکه برهان فارابی را درست و کامل می دانداما کوشید با استفاده از دو مفهوم وجوب و امکان برهان کاملتری ارائه کند. شیوه استدلال:

۱- همه موجودات این جهان ذاتاً ممکن الوجودند.

۲- ممکن الوجود (بالذات) برای وجود یافتن، نیازمند واجب الوجود بالذات است.

نتیجه: پس موجودات این جهان برای خروج از حالت امکانی (تساوی) به واجب الوجود وابسته و نیازمندند که آنها را ازین حالت خارج کند. (آن واجب الوجود خداست).

ابن سینا نتیجه می گیرد که واجب الوجود بر دو قسم است:

۱) واجب الوجود بالذات (خدا) ۲) واجب الوجود بالغیر (پدیده های جهان)

➤ فلاسفه ای که بعد از ابن سینا، برهانش را بسیار قوی دانسته یا آن را گسترش داده یا ارتقاء بخشیدند:

فلاسفه مسلمانی که آن را گسترش دادند: بهمینار، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهائی، میرداماد

فلاسفه مسلمانی که آن را ارتقاء بخشیدند: ملاصدرا و پیروان او

فیلسوف اروپایی که آن را گسترش داد: توماس آکوئیناس

استدلال ملاصدرا برای اثبات وجود خدا (امکان فقری یا فقر وجودی)

(توجه به فقر ذاتی موجودات به جای امکان ذاتی آنها)

ملاصدرا، مشهور به صدرالمتألهین، برای اثبات واجب الوجود می گوید: ما باید به جای نگاه به ماهیت اشیاء از همان ابتدا به خود وجود و واقعیت نگاه کنیم.

➤ معنای امکان فقری یا فقر وجودی:

همه موجودات و واقعیات این جهان عین وابستگی و نیازمندی هستند و «وابستگی» و «نیازمندی به غیر» سراسر وجود واقعیات را فرا گرفته. این وابسته بودن و نیازمندی را «امکان فقری» است.

➤ شیوه استدلال ملاصدرا:

۱- موجودات این جهان وجودشان عین وابستگی و نیاز است.

۲- موجودات وابسته باید به وجودی متصل باشند که در ذات خود، غیر نیازمند و برخوردار باشد و فقیر و نیازمند نباشد.

پس: موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند.

➤ نتیجه برهان ملاصدرا: (برهان امکان فقری یا فقر وجودی):

۱- جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است.

۲- موجودات جهان از خود هیچ استقلالی ندارد.

۳- اگر ذات الهی آنی (یک آن لحظه) پر تو عنایت خویش را باز گیرد، کل موجودات نابود می گردند، و نور آنها خاموش می شود.

➤ **فلاسفه مسلمان و معناداری زندگی:**

فلاسفه مسلمان اعتقاد دارند که:

۱- انسان باید از ابتدا وجود خدا را از طریق تعقل و تفکر بیابد

۲- سپس با وی ارتباط معنوی برقرار کرده و یک زندگی معنادار و متعالی را سامان دهد.

نتیجه: زمانی اعتقاد به خدا می تواند به زندگی معنا بدهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که: «واقعاً او را از یک راه معقول و

درست پذیرفته باشد»

تأثیر اعتقاد به خدا در زندگی:

به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر تشبیه شده

(ابتدا وجود آن را از طریق حواس، یک امر واقعی دانسته سپس آن را می نوشد)

➤ **معیارهای یک زندگی معنادار از نظر یک فیلسوف الهی:**

۱- تلاش برای توضیح غایتمندی هستی

۲- تشخیص هدف زندگی

۳- یافتن مابزایی برای گرایش فطری به خیر و زیبایی

۴- معتبر دانستن آرمان و هدف معنوی

اگر فیلسوفی نتواند وجود خدا را اثبات کند، امکان پذیرش ۵ گزاره فوق را از دست می دهد.

➤ **توصیفات مبتنی بر عشق ابن سینا در مورد خدا:**

۱- هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است.

۲- بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان است.

۳- همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری سبب بقای ممکنات و مخلوقات است.

۴- این اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را عشق می نامیم.

پس: عشق و محبت به خیر و زیبایی اختصاص به انسان ندارد و هر موجودی در این جهان بهره مند از جاذبه عشق الهی است.

خدا چنین عشقی را در کنه و ذات جهان هستی به ودیعه نهاده است.

خلاصه: خداوند موجودات را بواسطه عشق آفرید و همین عشق سبب بقای موجودات هست و حتی عشق و محبت میان انسان ها ناشی

از جاذبه عشق الهی است)

• **بارم نمره و سوالات نهائی درس ششم خدا در فلسفه قسمت دوم (نمره)**

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد:

۱- از نظر ابن سینا، بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان نیاز آنها را به واجب الوجود بالذات بر طرف نمی سازد (خرداد ۹۹) درست

۲- به عقیده فیلسوفان مسلمان، اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. (خرداد ۹۹) درست

۳- فیلسوف کسی است که هیچ عقیده ای درباره وجود خداوند نداشته باشد. (شهریور ۱۴۰۰) نادرست

۴- فارابی برای ابطال تسلسل علل نامتناهی از این مقدمه استفاده کرد که «هر معلولی باید علتی داشته باشد». (خرداد ۱۴۰۰) درست

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۱- از نظر فارابی در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وابسته به دیگری نیست یعنی خودش و موجودات

دیگر است (خرداد ۹۹) واجب الوجود - علت العلل

۲- «وجود» از نظر ملاصدرا بر دو قسم می باشد: و (خرداد ۱۴۰۱) وجود وابسته (یا نیازمند) - غیر وابسته (یا بی نیاز)

۳- اعتقاد به خدایی می تواند به زندگی معنا دهد که به کمک و..... ومنطق، وجودش را پذیرفته باشیم و در ارتباط با او زندگی کنیم. (دی ۹۸) عقل - روحی یا معنوی

۴- براساس نظر ملاصدرا که به نظریه «.....» معروف است جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است. (خرداد ۱۴۰۰) فقر وجودی (امکان فقری)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید:

۱- در مورد برهان فارابی به سوالات زیر پاسخ دهید: الف) به دنبال اثبات چه چیزی است؟ ب) از چه اصلی استفاده کرده است (دی ۹۷) الف) بطلان تسلسل علل نامتناهی ب) اصل تقدم علت بر معلول

۲- دو مورد از معیارهای یک زندگی معنادار را از نظر فلاسفه مسلمان نام ببرید. (دی ۱۴۰۰-خرداد ۹۹-شهریور ۹۹) جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد. انسان را موجودی هرفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.

۳- ابن سینا برای اثبات وجود خداوند از دو مفهوم (۱: علت و معلول ۲: وجوب و امکان) استفاده کرد. شهریور ۱۴۰۰ ۲: وجوب و امکان

۴- برهان فارابی برای اثبات وجود خدا مبتنی بر چه اصلی است؟ خرداد ۱۴۰۰ محال بودن تسلسل نامتناهی علت ها

به سوالات زیر پاسخ کامل دهید:

۱- «واجب الوجود بالذات» را تعریف کنید (شهریور ۹۹)

واجب الوجود بالذات همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت را از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی

۲- «واجب الوجود بالغیر» را تعریف کنید (دی ۹۹)

واجب لوجود بالغیر همان ممکن الوجود است که بالذات وجود برایش ضرورت ندارد اما بعد از وجود، ضرورتش از ناحیه واجب الوجود بالذات نشئت گرفته است که آن را بوجود آورده است.

۴- تعریف عشق از نظر ابن سینا را بنویسید؟ (خرداد ۹۹)

هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان. اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم.

۳- نظریه امکان فقری صدر المتالهین را توضیح دهید (دی، شهریور و خرداد ۹۹)

۵- صدر المتالهین براساس نظریه «امکان فقری» چه استدلالی ارائه کرده؟ آن را شرح دهید؟ (شهریور ۱۴۰۰)

به هر موجودی نگاه می کنیم، وجودش عین و وابستگی و نیاز است. موجودات وابسته باید به وجودی متصل باشند که در ذات خود، غیر نیازمند و برخوردار باشد. پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند.

۶- «برهان وجوب و امکان ابن سینا» را شرح دهید؟ (شهریور ۹۹-خرداد ۱۴۰۰)

وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود وعدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشد. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتا ممکن الوجودند. ممکن الوجود بالذات، برای این که از تساوی میان وجود وعدم در آید و وجود برای آن ضروری گردد و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ یعنی موجودی که وجود، ذاتی او باشد و خودش ممکن الوجود نباشد. پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آن ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

۷- برهان فارابی در اثبات وجود خدا را شرح دهید. دی ۱۴۰۰

۸- استدلال فارابی «برای اثبات وجود خدا» را شرح دهید. دی ۹۹

در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول هستند. معلول نیازمند علتی مقدم بر خود است و اگر این علت هم خودش معلول و نیازمند هلت باشد و آن هم نیازمند علتی دیگر باشد و این سلسله تا بی نهایت ادامه یابد و ابتدائی در کار نباشد؛ یعنی باید بی نهایت موجود به وجود بیاید و چنین چیزی امکان پذیر نیست.

۹- از نظر فارابی «تسلسل علل نامتناهی محال است» چرا؟ توضیح دهید؟ دی ۹۹ خارج کشور

زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد؛ و در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست. به بیان دیگر: اگر تعداد علت ها بخواهد بی نهایت باشد، به معنی آن است که باید تا بی نهایت پدیده موجود باشد تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و چنین پیزی امکان پذیر نیست.

گزینه درست را انتخاب کنید.

۱- ابن سینا برای اثبات وجود خداوند از دو مفهوم (۱: علت و معلول ۲: وجوب و امکان) استفاده کرد. (شهریور ۱۴۰۰)

• درس هفتم: عقل در فلسفه قسمت اول

➤ پیوند مفاهیم و پیوند عقل و فلسفه:

پیوند دین با ایمان، عرفان با شهود و عشق و فلسفه با عقل و عقلانیت پیوند یانسبت عقل و فلسفه:

۱- مفهوم فلسفه با عقل گره خورده است. ۲- فیلسوفان مهم ترین مدافعان عقل اند. ۳- عقل وجه تمایز انسان از حیوان است. ۴- منظور ارسطو از «ناطق» در تعریف انسان، همان «عاقل» است. ۵- پیوند ناگسستنی تاریخ فلسفه با تاریخ عقل

➤ کاربردهای عقل:

۱- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال ۲- عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر

➤ عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال:

عقل در این کاربرد همان کاربرد رایج یعنی توانمندی ای که به کمک آن استدلال کرده و به دانش ها و حقایقی دست می یابیم. ۱- دریافت هست و نیست.

۳- پی بردن به کارپسند و ناپسند بودن افعال (باید ها و نباید ها) یافهم خوب و بد افعال.

➤ عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر:

این کاربرد عقل در فلسفه برای موجوداتی که مجرد از ماده و جسم می باشند، هست.

برخی فلاسفه، عالم هستی را به دو نوع تقسیم بندی کرده اند:

۱- عالم مادی (عالم طبیعت)

۲- عالم غیرمادی (عالم مجردات و غیر محسوسات) عالم عقل، بخشی از این عالم است.

➤ ویژگی موجودات مجرد:

۱- عدم نیازمندی در افعال خود به ابزار مادی ۲- در قید مکان و زمان نیستند. ۳- مجرد از ماده و جسم

۴- علم آنها از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست.

۵- علم آنها از طریق شهود حقایق است.

۶- فرشتگان همین موجودات عقلانی اند. (فرشتگان مصداق عقول اند)

۷- روح انسان می تواند با تهذیب نفس، به مرتبه عقول برسد.

➤ عقل نزد حکمای ایران باستان:

به هردو معنای عقل توجه داشتند. به اعتقاد آنان خرد (عقل) با وجود آفریدگار متحد و یگانه است عقل انسان مظهر خرد (عقل) متحد با خداست.

خدا (مزد) در اندیشه حکیمان ایران باستان:

۱- وجودش با خرد، متحد و یگانه است.

۲- کل جهان را با خرد رهبری می کند.

۳- بر اساس خرد می آفریند.

۴- با خرد و اندیشه خود جهانیان، وجدان ها و خرد را آفریده است.

➤ **عقل در یونان باستان:**

هراکلیتوس اولین فیلسوف یونانی که به طور مفصل و روشن از عقل صحبت کرده و عقل جایگاه والایی در فلسفه او دارد.

۱- از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته

۲- لوگوس دو معنای دارد الف) عقل ب) نطق (تفکر)

۳- کلمه مظهر نطق (تفکر) است.

۴- اشیاء عالم، مظهر عقل هستند.

لوگوس در جهان حضور دارد:

الف) هر چیزی در عالم امری عقلانی و قابل شناخت است.

ب) چیزی را که می بینیم یا تصور می کنیم با کلمات به ذهن می آید.

کلمات و اشیاء ظهور عقل اند:

الف) کلمات مفاهیم عقلانی و شناخته شده برای انسان اند.

ب) اشیاء همان مفاهیم و کلماتی که در عقل ما حضور پیدا می کنند.

➤ **عقل در یونان باستان (ارسطو):**

از نظر وی عقل قوه استدلال هست.

عقل دو کار متفاوت انجام می دهد (عقل نظری و عقل عملی)

تصور روشن تری از عقل عرضه کرد.

در آثار منطقی خود از انواع استدلال ها صحبت کرد (تدوین انواع استدلال)

میان استدلال تجربی و استدلال عقلی محض تفاوت قائل شد.

انسان را «حیوان ناطق» تعریف کرد یعنی عقل ذاتی انسان است.

➤ **عقل در یونان باستان (ارسطو):**

از نظر وی عقل قوه استدلال هست.

انسان یک عقل بیشتر ندارد اما دو کار متفاوت انجام می دهد.

دو نوع کار متفاوت قوه عقل انسان (عقل نظری و عقل عملی)

عقل از آن جهت که درباره هست و نیست بحث می کند (مثلاً اثبات می کند که خدا هست) عقل نظری و دانش بدست آمده از آن، علم

نظری نامیده می شود.

عقل می تواند درباره امور اختیاری انسان استدلال کند و به نتایجی برسد (مثلاً نتیجه بگیرید که نباید دروغ گفت) در این که عقل

درباره بایدها و نبایدها، درست و نادرست کارها صحبت می کند عقل عملی و دانش بدست آمده از آن علم عملی نامیده می شود.

➤ **عقل نزد فیلسوفان اروپایی (دوره اول حاکمیت کلیسا قرن ۳ تا ۹ بزرگان کلیسا):**

عقل عامل تضعیف ایمان است.

امری شیطانی است.

ایستادگی در برابر استدلال های عقلی

ایمان قوی یعنی ایستادگی در مقابل شبهه های عقل

➤ **دوره دوم حاکمیت کلیسا (قرن ۱۱ تا ۱۳):**

تغییر دیدگاه با مطالعه آثار ابن سینا و ابن رشد

تبیین مسائل دینی با عقل

حاکمیت عقل در مقابل دین

➤ دوره رنسانس وپس از آن:

عقل جایگزین دین شد
دوگروه شدن فلاسفه به عقل گرا- تجربه گرا
به حاشیه رانده شدن دین

➤ دوره دوم حاکمیت کلیسا(قرن ۱۱ تا ۱۳):

نتیجه توجه فلاسفه مسیحی در این دوره به تبیین مسائل دینی باروش عقلانی:
این توجه ناسازگار بامبانی اولیه کلیسا است.
منجر به حاکمیت عقل درمقابل دین شد.

در دوره رنسانس وپس از آن:

الف) سبب شد عقل جایگزین دین شود
ب) سبب به حاشیه رانده شدن دین شد.

➤ دیدگاه فرانسیسی بیکن در مورد عقل:

فقط به تجربه تکیه کنید.
استدلال عقلی بدون تجربه فایده ندارد(بتی است که فلاسفه قبل ساخته اند)
عقل صرفاً استدلال مبتنی بر حس و تجربه است.

➤ دیدگاه دکارت در مورد عقل:

همه توانای های عقل معتبرند.
حوزه عقل: بدیهیات، استدلال عقلی محض، و تجربه است.
می توان با عقل ، نفس مجرد، اختیار و خدا راثابت کرد.
عقل صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال است.
عقل حقیقت برتر و متعالی در جهان وانسان نیست.

➤ دیدگاه کانت در مورد عقل:

۱) ناتوانی عقل در اثبات وجود خدا و نفس مجرد
۲) مفاهیم وجود، ضرورت ، امکان، علیت، ساختار ذهن هستند.
۳) حوزه عقل شناخت مفاهیم ذهنی است.
۴) عقل قوه استدلال و شکل دادن به ادراکات خارجی بر اساس ساختار ذهنی است.

➤ دیدگاه اگوست کنت در مورد عقل:

۱) عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه کاملاً ذهنی است.
۲) نگاه فیلسوفان به جهان، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.
۳) عقل فقط از طریق علم تجربی می تواند به شناخت نائل شود.
۴) فقط از طریق روش تجربی وحسی می توان به واقعیت رسید و علم بدست آورد.

➤ مسائل متأثر از دیدگاه کانت در مورد عقل:

۱) نسبت عقل و دین
۲) توانایی اثبات ماوراء الطبیعه
۳) نگاه انسان به خود و جهان

• بارم نمره و سوالات نهائی درس هفتم عقل در فلسفه قسمت اول (۳ نمره) :

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است:

۱- از نظر هراکلیتوس، اشیای عالم همان کلمات عقل هستند که حقیقت برتر است. (دی ۹۹) درست

- ۲- هراکلیتوس معتقد به حقیقتی به نام لوگوس بود که به معنای عقل و نطق می باشد. (دی ۹۸) درست
- ۳- یکی از کاربردهای عقل در فلسفه، همان توانمندی است که به کمک آن استدلال می کنیم. (شهریور ۱۴۰۰) درست

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۱- از نظر هراکلیتوس، «.....» هم به معنای عقل به عنوان حقیقتی متعالی و برتر است و هم به معنای نطق و سخن (خرداد ۱۴۰۰) لوگوس

گزینه درست را انتخاب کنید:

- ۱- هریک از گزینه های زیر عقیده کدام شخصیت درباره عقل می باشد (ارسطو - بزرگان کلیسا) (دی ۹۸ و ۹۹)
- الف) عقل ذاتی انسان است و همان نطق است. ارسطو
- ب) عقل عامل تضعیف ایمان است. بزرگان کلیسا
- ۲- اولین فیلسوفی که عقل را به نظری و عملی تقسیم کرد که بود؟ ۱- ارسطو ۲- افلاطون ۱- ارسطو

به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید:

- ۱- دو کاربرد عقل را بنویسید. دو کارکرد عقل در فلسفه را بنویسید. (شهریور دی ۹۹)
- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال - عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده
- ۲- حدود قرون سوم تا نهم میلادی کدام گروه عقل را امری شیطانی می دانستند. (دی ۹۹) بزرگان کلیسا
- ۳- ارسطو عقل را بر چه اساسی به نظری و عملی تقسیم نموده است؟ (دی ۹۹) بر اساس کاری که عقل انجام می دهد.
- ۴- ارسطو بر چه مبنایی عقل را به نظری و عملی تقسیم می کند؟ (خرداد ۱۴۰۰) بر اساس کاری که عقل انجام می دهد.
- ۵- ارسطو بر اساس تقسیم عقل، علم و دانش را به دو دسته تقسیم می کند، آن ها را نام ببرید؟ (شهریور ۹۹) علم نظری و علم عملی
- ۶- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، حکمای مسیحی تحت تاثیر کدام عامل، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند؟

(شهریور ۱۴۰۰) تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان

- ۷- تعیین کنید فلاسفه زیر «عقل گرا» هستند یا «تجربه گرا»؟ الف) اوگوست کنت ب) فرانسیس بیکن (خرداد ۱۴۰۱)
- الف) تجربه گرا ب) تجربه گرا

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید؟

- ۱- عقل نظری را از نظر ارسطو تعریف کنید؟ (دی ۹۹)
- ۲- «عقل نظری» و «عقل عملی» را از نظر ارسطو با ذکر مثال تعریف کنید. (شهریور ۱۴۰۰)
- عقل از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا و کیهانشهان، عقل نظری نام دارد.
- عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، نباید دروغ بگوید، بحث می کند، عقل عملی نام دارد.
- ۳- توجه فلاسفه مسیحی در دوره دوم کلیسا به تبیین مسائل دینی با روش عقلانی چه نتیجه مهمی بدنبال داشت؟ (خرداد دی ۹۹)
- این توجه بامبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد. در رنسانس سبب شد تا عقل جای دین را بگیرد و دین را در حاشیه قرار دهد.
- ۴- در دوره اول حاکمیت کلیسا در اروپا عقل چه جایگاهی داشت توضیح دهید؟ (شهریور ۹۹)
- بزرگان کلیسا دخالت و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.
- ۵- دکارت «عقل» را به کدام معنا به کار می برد و حدود توانایی و جایگاه عقل نزد او چه میزان است؟ (خرداد ۱۴۰۰)
- ۶- نظر دکارت در مورد عقل و جایگاه آن را توضیح دهید. دی ۱۴۰۰

دکارت به همه توانایی های عقل، مانند بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد و غیرمادی انسان و اختیار او را اثبات کند. البته او دیگر به عالم عقل به عنوان یک عالم برتر

ومتعالی در جهان، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً همان دستگاه تفکر و استدلال به حساب می آورد که می تواند ابزار شناخت انسان قرار بگیرد.

۷- چهارمورد از ویژگی های موجودات عالم عقول از نظر فلاسفه الهی را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰)

۸- دو مورد از ویژگی های «موجودات عالم عقل» را از نظر فیلسوفان الهی بنویسید. خرداد ۱۴۰۱

درقید زمان و مکان نیستند- از ماده و جسم مجردند- درافعال خود به ابزارمادی هم نیاز ندارند- با حواس ظاهری قابل درک نیستند. علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنارهم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه این موجودات حقایق اشیاء را «شهود» می کنند.

۹- از نظر اگوست کنت، اعتبار عقل فلسفی و جایگاه آن در تاسیس فلسفه چیست؟ (شهریور ۱۴۰۰)

اوگوست کنت، عقل فلسفی و کاربرد عقل را در تاسیس فلسفه کاملاً ذهنی خواند و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان وهستی ناظر برواقعیت نیست؛ بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.

۱۰- ارسطوقوه عقل را براساس کاری که عقل انجام می دهد به دو قسم تقسیم کرده است آنها را نام برده و تعریف کنید. خرداد ۱۴۰۱

عقل از آن جهت که درباره اشیاء و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، عقل نظری نام دارد.

عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایددها و نبایدهای او بحث می کند، عقل عملی نام دارد.

۱۱- کدام فیلسوف یونان باستان از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته است؟ معنای آن را در نزد وی شرح دهید؟

خرداد ۹۹) هراکلیتوس- لوگوس در نزد او هم به معنای عقل است و هم به نطق. کلمه و سخن در نزد او ظهور و پرتو عقل است. عقل

همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند و هم کلمات و سخن و به نظر او اشیاء عالم همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت او هستند.

۱۲- کدام عقیده کانت تحولی عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد او وظیفه عقل را چه چیزی می دانست؟ (خرداد ۹۹)

به نظر کانت مفاهیمی مانند وجود، ضرورت، امکان وعلیت، ساختار ذهن انسان اند. و عقل و ذهن ایاء خارجی را در این ساختار درک می کند. او عقل را به امری بدل کرد که مفاهیم ذهنی را شناسائی می کند.

• درس هشتم: عقل در فلسفه قسمت دوم

➤ عوامل مهم توجه به عقل در اسلام:

۱-قرآن ۲- احادیث پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)

➤ نتیجه توجه به عقل در اسلام:

۱-سخن شخصیت های اسلامی در بزرگداشت عقل ۲-جایگاه ویژه در فرهنگ عمومی ۳-مورد تجلیل واقع شدن

۴-حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف

۵-مخالفت صریح و مستقیمی با عقل بصورت کمتری صورت گرفت.

➤ شکل های مخالفت برخی جریان های فکری اسلام با عقل:

۱-تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن

۲-مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی

شکل اول مخالفت با عقل: تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن

توضیح: ۱) برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارد.

۲) کسی که از روش استدلال عقلی استفاده کند مرتکب خطاشده

۳) عقل بی فایده یا دشمن دین و ایمان نیست بلکه ساحت دین و الاتر و برتر از حوزه استدلال عقلی است.

➤ شکل دوم مخالفت با عقل: مخالفت با فلسفه و منطق به عنوان دستاوردهای یونانی و غیراسلامی

توضیح: بصورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد

آن را دستاوردی یونانی می دانستند

چون در بردارنده عقاید کسانی است که با عقاید اسلامی سازگار نیست.

پاسخ به شکل دوم مخالفت با عقل:

- ۱- بسیاری از آراء و نظرات فیلسوفان یونانی با آموزه های اسلامی سازگاری دارد.
- ۲- فلسفه شاخه ای از معرفت است و هر کسی از هر ملیتی می تواند وارد آن شود.
- ۳- در فلسفه همانند علوم مختلف باید از دستاوردهای متفکران دیگر استفاده شود.
- ۴- تنها معیار و ملاک درستی یا نادرستی یک دانش از جمله فلسفه ، داوری از طریق استدلال است نه قضاوت درباره یونانی بودن آن

➤ دو کاربرد عقل نزد فیلسوفان مسلمان:

۱- عقل بعنوان موجود متعالی و برتر از ماده

ویژگی های عقل بعنوان موجود متعالی و برتر از ماده:

- الف) حقیقت وجودی موجودات مجرد است که عالم عقول را تشکیل می دهند
- ب) این عقول در نظر فیلسوفان اسلامی همان فرشتگان هستند.
- ج) اولین مخلوق خداوند عقل است و از اولین عقل، عقول بعدی پدید می آیند.
- د) آخرین عقل از سلسله عقول ، عقل فعال است و عامل فیض رسانی به انسان است
- هـ) عقل انسان پرتویی از عالم عقول است
- و) علم عقول به خدا، خود و مخلوقات پایین تر از خود از طریق علم حضوری است.

➤ دیدگاه فارابی در مورد فیض رسانی عقل فعال:

- الف) مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان مانند آفتاب است نسبت به چشم
- ب) همانطور که آفتاب نوربخشی می کند تا انسان ببیند عقل نخست چیزی در قوه عقلی آدمی افاضه می کند تا فعالیت عقلی ایجاد شود و عقل به ادراک حقایق نائل شود.

۲- عقل بعنوان دستگاه تفکر و استدلال:

- ۱- فیلسوفان مسلمان همه راههای شناخت عقلی را قبول دارند.
- ۲- انواع استدلال های تجربی (استقرایی، برهان عقلی محض) را در جای خود روشی درست برای کسب دانش می دانند.
- ۳- در نظر فیلسوفان مسلمان؛ استدلال های عقلی معیار پذیرش یارد هر مکتب و آئینی است.

➤ مراحل چهارگانه رشد عقل:

- ۱- عقل هیولایی: هیچ ادراک عقلی ندارد اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد.
- ۲- عقل بالملکه: عقل درک اولی از قضایای ضروری پیدا می کند.
- ۳- عقل بالفعل: عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب می کند.
- ۴- عقل بالمستفاد: انسان بردانش هایی که کسب کرده مسلط می شود.

➤ دیدگاه مشترک فلاسفه مسلمان در مورد عقل و اعتقاد دینی:

- ۱- ضرورت استدلال عقلی برای هر اعتقاد و آئینی ۲- عقل بهترین ابزار تفکر در آیات و روایات ۳- منحصر نبودن معرفت به عقل

➤ دیدگاه ملاصدرا در رابطه با عقل و دین:

- ۱- امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد.
 - ۲- نفرین بر فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند.
- اگر احساس شود میان دستاوردهای عقلی با وحی تعارض است راه حل چیست:

- ۱- افزایش تلاش علمی خود ۲- استفاده از دانش دیگران

➤ چرا احساس می کنیم که تعالیم وحی با دستاوردهای عقل تعارض دارند:

- ۱- توانمندی محدود و متفاوت انسانها ۲- عدم استفاده درست از استدلال عقلی

➤ **راههای رسیدن به حقیقت از دیدگاه فلاسفه مسلمان:**

➤ ۱- عقل ۲-شهود ۳-وحی . (وحی عالی ترین مرتبه شهود است) استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه مارابه حقیقت می رسانند

• **بارم نمره و سوالات نهائی درس هشتم: عقل در فلسفه ۲ (۳نمره)**

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

- ۱- فیلسوفان مسلمان عالی ترین مرتبه شهود را.....می دانند(دی ۹۹) وحی
- ۲- برخی جریان های مخالف عقل در جهان اسلام، معتقد بودند که استفاده از روش های عقلی در مسائلکاربردی ندارد.(شهریور ۱۴۰۰) دینی
- ۳- از نظر فلاسفه مسلمان «استدلال عقلی»، «شهود» و «.....» هر سه ما را به حقیقت واحد می رسانند. دی ۱۴۰۰ وحی
- ۴- از نظر فارابی وابن سینا، اولین مخلوق خداوندنام دارد. خرداد ۱۴۰۱ عقل اول
- ۵- مرحله ای را که در آن، عقل هیچ ادراک عقلی ندارد؛ اما استعداد درک معقولات را دارد، عقل..می نامند. دی ۱۴۰۰ عقل هیولایی
- ۶- حکمای ایران باستان معتقد بودند که.....همان خداوند است و با.....خود جهانیان را آفریده است(دی ۹۹) مزد- خرد
- ۷- فیلسوفان الهی معتقدند که عقول (فرشتگان) حقایق اشیاء را از طریق.....درک می کنند.(خرداد ۹۹) شهود

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید:

- ۱-وظیفه عقل فعال چیست؟ ومقام آن نسبت انسان مانند چیست؟ (شهریور، دی ۹۹) فیض رسانی به عقل انسان ها
- ۲-فیلسوفان مسلمان اولین مخلوق خداوند را عقل می نامند، سه ویژگی آن مخلوق را بنویسید.(دی ۹۹ خارج کشور) موجودی کاملا روحانی و غیر مادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند.
- ۳-دو ویژگی از ویژگی عقول در فلسفه اسلامی را بنویسید؟(دی ۹۹) اولین مخلوق - روحانی و غیر مادی - فوق عالم طبیعت - واسطه فیض رسانی
- ۴- عقل بالفعل را تعریف کنید؟ (شهریور ۱۴۰۰) درسومین مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب کرده است.
- ۵-از نظر فلاسفه مسلمان ۳راه برای رسیدن به حقیقت وجود دارد که یکی از آنها وحی می باشد دو مورد دیگر را نام ببرید؟(دی ۹۹) شهود- استدلال عقلی- وحی
- ۸- از نظر فیلسوفان مسلمان، علاوه بر استدلال عقلی، دو روش دیگری که ما را به حقیقت می رسانند، چیست؟ (خرداد ۱۴۰۰) شهود- وحی
- ۹- باتوجه به نظر فیلسوفان مسلمان درباره «عقل» به دوسوال زیر پاسخ دهید.(خرداد ۱۴۰۰) الف) وظیفه آن چیست؟ فیض رسانی به عقل انسان ها (یا واسطه فیض هستی میان مراتب بالاتر از خود و عالم طبیعت وانسان) ب)مقام آن نسبت به انسان مانند چه چیز است؟ آفتاب نسبت به چشم
- ۹-از نظر فیلسوفان مسلمان، نام دیگر «عقل هیولانی» چیست؟ ۱-عقل بالفعل ۲-عقل بالقوه (خرداد ۱۴۰۱) ۲-عقل بالقوه

درستی یا نادرستی گزاره های زیر مشخص کنید.

- ۱-در اندیشه حکمای ایران قدیم،مزداهمان خداوند است.(دی ۹۹ شهریور ۱۴۰۰) درست

به سوالات زیر پاسخ کامل دهید:

- ۱- یکی از اشکال مخالفت با عقل در جهان اسلام، مخالفت با فلسفه بود، دلیل این مخالفان چه بود؟(دی ۹۹)
- ۲-فیلسوفان مسلمان به کسانی که با فلسفه به دلیل یونانی بودن وعدم سازگاری آن با عقاید اسلامی مخالفت می کند چه پاسخی می دهند؟(خرداد ۹۹) جدا از اینکه بسیاری از آراء فیلسوفانی مانند سقراط وافلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت ونژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود.

۳- دو شکل مخالفت با عقل را در جهان اسلام بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰)

۱) تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن؛ (بابرخی روش های عقلی در مسائل دین کاربردی ندارند)

۲) مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی، مخالفت با فلسفه که عالی ترین شکل تعقل است)

۴- عقل بالملکه را تعریف کنید؟ (دی ۹۹)

در این مرحله عقل درکی از قضایای ضروری پیدا می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند (آمادگی دریافت علم را پیدا کند)

۵- فارابی عقل فعال را به چه تشبیه کرده چرا؟ (خرداد ۹۹)

مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینایی بالفعل شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقلی آدمی افاضه می کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود.

۶- از نظر ابن سینا و فارابی، اولین مخلوق خداوند چه نام دارد و دارای چه ویژگی است؟ (شهریور ۱۴۰۰)

از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملاً روحانی و غیر مادی است.

۷- از نظر فیلسوفان مسلمان، سه راه رسیدن به حقیقت، که در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه می رسند، کدامند؟ (شهریور ۱۴۰۰) استدلال عقلی - شهود - وحی

۸- کسانی که در جهان اسلام با فلسفه مخالفت می کردند، چه دلیلی برای این نظر خود داشتند؟ (شهریور ۱۴۰۰)

دلیل آنها این بود که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده است و در بردارنده عقاید کسانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو است و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.

۹- تفاوت «عقل هیولائی» و «عقل بالفعل» را توضیح دهید. (خرداد ۱۴۰۰)

اولین مرحله، عقل بالقوه یا عقل هیولائی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد، به طور مثال نوزادی که تازه متولد شده، گرچه استعداد نوشتن را دارد، اما نمی تواند چیزی بنویسد. سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش هایی را کسب کرده است.

۱۰- ضمن تعریف «عقل بالملکه» و «عقل بالمستفاد» تفاوت آنها را توضیح دهید؟ (خرداد ۱۴۰۱)

عقل بالملکه: در این مرحله، عقل درکی از قضایای ضروری پیدا می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند. (آمادگی دریافت علم را پیدا می کند). عقل بالمستفاد: در این مرحله انسان به طوری بردانش هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده نماید. مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ای را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند.

گزینه درست را انتخاب کنید.

۱- فیلسوفان از طریق (۱: شهود ۲: دلیل و برهان) وجود «عالم عقول» را اثبات می کنند. (شهریور ۱۴۰۰) دلیل و برهان

۱- در اندیشه حکمای ایران قدیم، (۱: مزدا ۲: لوگوس) همان خداوند است. (شهریور ۱۴۰۰) ۱: مزدا

۲- در اندیشه حکمای ایران قدیم، مزدا همان خداوند است. (دی ۹۹) درست

۳- یکی از اشکال مخالفت با عقل در جهان اسلام، به صورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد. (خرداد ۱۴۰۱) درست

درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام

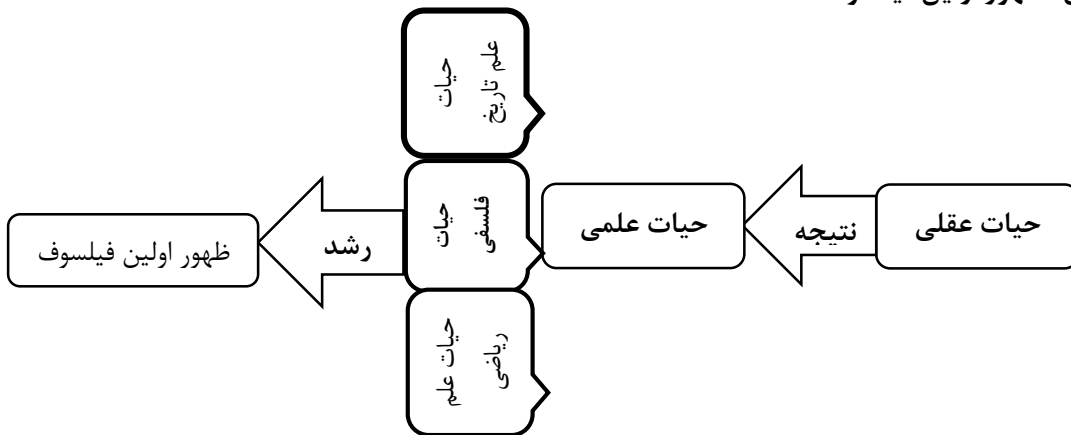
حیات عقلی، علمی و فلسفی:

حیات عقلی: توجه مردم یک جامعه به عقل و تفکر و اندیشه، طوری که عقلانیت بخشی از فرهنگ عمومی شود. (به خاطر اهمیت اسلام به آن در جامعه اسلامی به وجود آمد).

حیات علمی: حرکت به سمت دانش ها و علوم و رشد شاخه های مختلف علم.

در نتیجه توجه به تفکر و اندیشه ، رفتن به سمت دانش ها و علوم به طور طبیعی صورت می گیرد بنابراین در نتیجه حیات عقلی ، حیات علمی شکل گرفت.

حیات فلسفی: رشد فلسفه و گسترش آن در یک جامعه(فلسفه شاخه ای از علوم هست و وقتی همه علوم رشد کنند فلسفه نیز رشد می کند و نتیجه چنین رشدی ، ظهور اولین فیلسوف هست.



• **حدود دو قرن بعد از ظهور اسلام:**

- رشد حیات فلسفی صورت گرفت
- اولین فیلسوف مشهور مسلمان ظهور کرد(ابو یوسف بن اسحاق کندی که ۲۷۰ کتاب و رساله داشت)
- **زمینه های رشد فلسفه (در جهان اسلام):**

- **زمینه اول :** دعوت قرآن کریم و پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) به خرد ورزی
- ✓ حیات عقلی اولین شرط یا شرط لازم رشد فلسفه است.
- ✓ حیات عقلی مثل زمین حاصل خیزی است که بالقوه می تواند باعث حیات (رشد) هر کدام از علوم شود.
- ✓ به خاطر داشتن پشتوانه عقلی است که درخت هر دانشی به ثمر می رسد
- ✓ گزارش مورخان علم درباره حیات عقلی مسلمانان:

(۱) آغاز حیات عقلی با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی

(۲) پایه گذاری آن توسط پیامبر(ص) و قرآن کریم.

(۳) خاص و بدیع بودن روش پیامبر(ص) و قرآن کریم در ایجاد حیات عقلی

○ روش های خاص و بدیع در ایجاد حیات عقلی:

- ❖ رسیدن به مرتبه ممتاز از حیات عقلی در زمان کوتاه
- ❖ فراهم شدن فرصت تفکر برای مردم
- ❖ ورود بسیاری از افراد جامعه به بحث های علمی
- **زمینه دوم:** گسترش مباحث اعتقادی میان مسلمانان

چگونگی شکل گیری حیات فلسفی در جهان اسلام:

- آغاز شکل گیری حیات فلسفی بدین نحو است که بحث و گفتگو در مباحث اعتقادی زمان پیامبر(ص) گسترش پیدا کرد.
- جنس اغلب این مباحث فلسفی بودند(روش عقلی استدلالی)
- در نتیجه: در همان قرن اول هجری دانشمندی ظهور کردند که در مسائل اعتقادی (اثبات وجود خدا، صفات خدا، ضرورت معاد، جبر و اختیار) (۱) تبحر داشتند (۲) به تعلیم و کتابت پرداختند (۳) از استدلال عقلی استفاده کردند.

➤ **زمینه سوم:** نهضت ترجمه متون

نهضت ترجمه ثمره حیات علمی است و رشد حیات علمی رشد فلسفه به حساب می آید.

- ❖ از قرن دوم هجری آغاز شد.
- ❖ کمک شایانی به ، شکل گیری حیات فلسفی در جهان اسلام کرد.
- ❖ منحصر به دانش فلسفه نبود.
- ❖ علوم گوناگون را شامل می شود.
- ❖ در نتیجه آن کتاب های فراوانی از زبان های سریانی، پهلوی ، هندی و یونانی در رشته های مختلف علمی ترجمه شد.
- ❖ یکی از نشانه های اهمیت آن، دریافت طلا توسط حنین بن اسحاق هم وزن کتاب های ترجمه شده بود.
- ▶ **نتیجه سه تا زمینه رشد فلسفه در جهان اسلام:**
- ❖ مسلمانان به زودی معارف گذشتگان را فرا گرفتند
- ❖ در اغلب رشته های دانش سرآمد ملت های زمان خود شدند
- ❖ در فلسفه: (۱) دانش فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند (۲) آراء فیلسوفان را نقد کردند (۳) نظام فلسفی نوینی را سامان

بخشیدند

❖ ویژگی نظام فلسفی نوین فیلسوفان مسلمانان:

- ❖ برخوردار از آراء افلاطون و ارسطو
- ❖ در بردارنده اندیشه های جدیدی بودند که تا آن موقع بی سابقه بود.

▶ حکمای مشاء:

➤ ویژگی فلسفه اسلامی در آغاز:

- ✓ سرشت کاملاً استدلالی داشت (کاملاً عقلی)
- ✓ متکی بر آرای ارسطو بود (که در مباحث فلسفی به قیاس برهانی تکیه می کرد)
- ✓ در نتیجه: فلسفه اسلامی صورت استدلالی قوی به خود گرفت.

▶ تلاش محکم واستوار فارابی ونبوغ استدلالی ابن سینا:

- ✓ آراستن صورت استدلالی قوی با ظریف ترین موشکافی
- ✓ پدید آوردن یک نظام فلسفی مستحکم وقوی

▶ ویژگی اصلی حکمت مشاء:

- ✓ صورت استدلالی
- ✓ الگو گرفتن از ارسطو

▶ تعریف حکمت (فلسفه) از نظر یک فیلسوف مشائی (ابن سینا):

فنی استدلالی وفکری که انسان عالم ، وجود را آن چنان که هست، به وسیله این فن به دست می آورد ونفس خویش را به کمال می رساند وبه جهانی عقلی مشابه جهان واقعی تبدیل می شود ومستعد رسیدن به سعادت نهائی، به اندازه طاقت بشری می گردد.
(فلسفه علمی استدلالی است که نتیجه این علم شناخت موجودات از آن جهت که وجود دارند نه شناخت آنها از جهت مثلا رنگ واندازه وجنس ، یعنی شناخت وجود موجودات مطابق با واقعیت . وچون علم یکی از کمال های نفس هست پس شناخت وجود با فلسفه رفتن به سوی کمال هست . و وقتی وجود و هستی آن چنان که هست شناخته شود یعنی ذهن فیلسوف کاملاً منطبق با جهان خارجی (واقعی) شده است که تازه به اندازه توانش (بالقوه) استعداد رسیدن به سعادت را پیدا کرده است.))

▶ مقام علمی وفلسفی فارابی:

- ✓ اولین فیلسوف اسلامی و مؤسس حکمت مشاء
- ✓ سر آمد فلسفه در زمان خود
- ✓ شهرت ورسیدن به درجه استادی در نجوم، حقوق وسیاست
- ✓ دانستن پزشکی به خوبی، تبحر در مداوای بیماران
- ✓ نظریه پرداز در فلسفه سیاست (دیدگاه ویژه ای طرح کرد)

▶ آثار فارابی:

✓ الجمع بين رأى الحكيمين: ((محتوای کتاب: نقاط مشترک اندیشه های افلاطون و ارسطو)) ((نتیجه: آشنایی با میراث فلسفی یونان به خصوص افلاطون و ارسطو))

✓ اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه ((محتوای کتاب: شرح نظرات ارسطو با دقت و توانایی بسیار)) (نتیجه: راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ما بعد الطبیعه ارسطو))

▶ الف) چرا فارابی معلم ثانی لقب گرفت ب) و چگونه فلسفه مشاء را تأسیس کرد؟:

✓ الف) به خاطر تأسیس فلسفه مشائی در اسلام

✓ ب) ۱) آشنایی عمیق با تعالیم اسلام ۲) عرضه آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان در یک نظام فلسفی جدید

▶ فلسفه سیاسی فارابی:

✓ دیدگاه فارابی در مورد انسان و جامعه:

❖ اعتقادش در مورد انسان:

○ مدنی بالطبع است (ذاتا گرایش به جامعه و زندگی با همونوعش دارد)

○ مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد در نتیجه هدف اصلی جامعه باید سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد.

▶ بهترین مدینه ها از نظر فارابی: (مدینه فاضله است) مدینه ای است که:

✓ مردم آن به اموری مشغولند .

✓ به فضائی آراسته اند.

✓ مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد.

▶ ویژگی های رئیس مدینه فاضله از نظر فارابی:

✓ روحی بزرگ و سرشت عالی داشته باشد. (قدرت نفسانی بالایی داشته و ذاتا انسان خوبی است)

✓ به عالی ترین درجه تعقل رسیده باشد (یعنی رسیدن به مرتبه عقول یافرشتگان و شهود حقایق بدون استدلال)

✓ می تواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند

▶ مدینه فاضله مدینه جاهله:

هدف مدینه فاضله: سعادت دنیا و آخرت

هدف مدینه جاهله: فقط سلامت جسم و فراوانی لذت های دنیایی

بارم نمره درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام: ۱/۵ نمره

▶ گزینه درست را انتخاب کنید:

۱- حیات تعقلی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی آغاز شد. (دی ۹۹) درست

به سوالات زیر کوتاه پاسخ بدهید.

۱- مؤسس اولین مکتب فلسفی در جهان اسلام چه کسی بود و به چه لقبی شهرت یافت؟ (دی ۹۹) فارابی - معلم ثانی

۲- درباره حکمت «مشاء» به سوالات زیر پاسخ دهید: (دی ۹۷)

الف) مؤسس آن در جهان اسلام چه کسی بود؟ ب) متکی بر آرای کدام فیلسوف یونانی بود؟ الف) فارابی ب) ارسطو

۳- اصطلاح روبرو را تعریف کنید الف) مدینه فاضله (دی ۹۷)

مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد.

۴- تعریف «مدینه فاضله» از نظر فارابی چیست؟ مهمترین تفاوت آن با «مدینه جاهله» را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۱)

مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد. تفاوت آن با مدینه جاهله در هدف آن است.

۵- براساس نظر فارابی هدف مدینه فاضله و مدینه جاهله را مقایسه کنید. (دی ۹۹)

هدف مدینه فاضله رسیدن به سعادت است اما هدف مدینه جاهله فقط سلامت جسم و فراوانی لذت های دنیایی است.

۶- از نظر فارابی هدف مردم مدینه جاهله چیست؟ چرا؟ (دی ۹۹)

در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت های دنیایی است. آنها گمان می برند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند، به سعادت رسیده اند و اگر دست نیافتند، به بدبختی افتاده اند.

۷- دو مورد از ویژگی های رئیس مدینه فاضله از نظر فارابی نوشته و بیان کنید این ویژگی ها در چه کسانی وجود دارد؟ (شهریور ۹۹)

۱) روحی بزرگ و سرشتی عالی داشته باشد. ۲) باید به عالی ترین درجات تعقل رسیده باشد.

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد.

۱- یکی از کاربردهای عقل در فلسفه، همان توانمندی است که به کمک آن استدلال می کنیم. (شهریور ۱۴۰۰) درست

۲- حیات تعقلی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی آغاز شد. (دی ۹۹) درست

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید

۱- سهروردی، کسانی را که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند وهم به اشراق و عرفان دست یافته اند «.....» می نامد. (خرداد ۱۴۰۰)

۲- سهروردی در اندیشه خود، از مفهوم (۱: نور ۲: وجود) استفاده می کند. (شهریور ۱۴۰۰) ۱: نور

۳- دانشمندی که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند، نامیده می شوند (دی ۹۹) متکلم

► درس دهم: دوره میانی

➤ شیخ الرئیس فلسفه:

حسین بن عبدالله بن سینا - از داناترین و پیر آوازه ترین حکماء و دانشمندان ایرانی

از مشاهیر علم و حکمت در سراسر جهان - در مشرق زمین مشهور به ابن سینا - در اروپا اویسن و اوایسنا و شاهزاده اطباء نامیده می

شود - القابش شیخ الرئیس و حجه الحق

زندگی نامه، استادان، شاگردان و علوم تحصیلی ابن سینا:

متولد: ۳۷۰ در یکی از روستاهای بخارا

زندگی نامه اش را برای شاگردش: ابو عبید جوز جانی نگاشته و مراحل علمی فلسفی اش را توضیح داده

پدرش وی را در زمان کودکی به معلم قرآن و ادب سپرده است.

مطالعات: در فقه، ریاضیات، منطق و فلسفه و طب

استادان: در منطق و ریاضیات: شاگرد ابو عبدالله ناتلی شاگردان: جوز جانی

نظربن سینا در مورد علوم مختلف زمانش:

طب: علم طب از علوم دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتم

فقه: از مناظره در علم فقه و آموختن آن فارغ نبودم.

منطق و فلسفه: بار دیگر منطق و سایر اجزاء فلسفه را دوره کردم.

➤ روش مطالعه ابن سینا:

✓ شرایط معلوم شدن حقیقت:

۲) نوشتن و نظر کردن در مقدمات آن مطلب

۳) منظور داشتن شروط و عمل به مطلب

❖ راه حل رفع حیرت و عدم فهم حد وسط یک قیاس:

۱) ه رفتن مسجد جامع ۲) نماز خواندن ۳) زاری و تضرع نزد مبدع کل

➤ فلسفه ابن سینا:

روش فلسفی اش: عقلی استدلالی بود و این روش رابه اوج رساند که پایه گزارش ارسطو بود نوع فلسفه و حکمتش: مشائی بود و فلسفه مشاء را بصورت مدون و نظام مند ارائه داد

➤ آثار و تالیفات ابن سینا:

قانون: فرهنگ نامه پزشکی **شفا:** دائره المعارف عظیم علمی فلسفی **نجات:** خلاصه کتاب شفا **انصاف:** ۲۰ جزء و ۲۸ هزار مسئله

اشارات و تنبیها: آخرین دیدگاههای ابن سینا **دانشنامه علائی:** ابواب مختلف حکمت

➤ طبیعت شناسی ابن سینا (توصیف ابن سینا در مورد طبیعت):

- ۱- مرتبه ای از هستی
- ۲- دارای حرکت است
- ۳- ربه سوی مقصد خاص دارد و این مقصد در ذات طبیعت است. (این مقصد خاص : الف) جزء ذات عالم طبیعت است (ب) از عالم طبیعت جدایی ناپذیر است)
- ۵- علت نام گذاری به طبیعت: الف) اجزای تشکیل دهنده آن هر کدام طبع و ذاتی دارند (منشاء حرکت و تغییرند) ب) خود این عالم هم به عنوان یک کل طبع و ذاتی دارد (منشاء حرکت و تغییر است)
- ۶- عالم طبیعت رالطف و عنایت خدا پدید آورده است.
- ۷- همه اجزاء طوری تالیف شده اند که نظام احسن را تحقق بخشند.

➤ نظر ابن سینا در مورد طبیعت شیء (هدفی که طبیعت هر شیء دنبال می کند):

- ۱- سوق دادن هر شیء به سوی خیر و کمال مطلوبش به شرط نبود مانع در راه طبیعت آن
- ۲- حتی بدی و شر ظاهری ، در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهائی طبیعت کمک می کنند.

➤ خواسته ابن سینا در چگونگی روش تحقیق در عالم طبیعت:

- ۱- تحقیق در رابطه میان پدیده ها
- ۲- تأمل در رابطه وجودی این عالم با مبداء کل جهان هستی

➤ نتیجه خواسته ابن سینا :

- ۱- دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند
- ۲- ایجاد خشوع و خشیت در برابر خدا

➤ مکتب فلسفی اشراق:

- ۱- پایه گذار: سهروردی (شیخ اشراق)
- ۲- از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران
- ۳- مهمترین اثر سهروردی: کتاب حکمت الاشراق
- ۴- ارائه مکتبی جدید در فلسفه اسلامی
- ۵- کوشش برای به کمال رساندن حکمت استدلالی ابن سینا با شهود قلبی
- ۶- احیای فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی
- ۷- آمیختن سفرهای خود را با سلوک معنوی و عرفانی و اشتغال به مجاهدت بانفس

➤ تعریف حکمت اشراق:

- ۱) نوعی بحث از وجود است . ۲) فقط به نیروی عقل و استدلال اکتفا نمی کند
- ۳) استدلال عقلی را با سیر و سلوک قلبی همراه می سازد.

➤ تحقیق فلسفی از دیدگاه سهروردی:

- ۱- استدلال بدون شهود؛ بی نتیجه است
- ۲- شهود بدون استدلال؛ گمراه کننده است.

➤ حکمت اشراق از دیدگاه قطب الدین رازی :

- ۱- اساس و بنیان آن اشراق است.
- ۲- این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده اند.
- ۳- علت اشراقی خواندن آن: از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان کامل به دست می آید.

➤ اشراق نور:

- ۱- شیخ اشراق مفهوم نور را بجای مفهوم وجود وارد فرهنگ فلسفی خود کرد
- ۲- همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی کرد.

➤ دیدگاه شیخ اشراق در مورد خدا و خلقت:

- ۱- مبداء جهان و خالق هستی نور محض است. ۲- هر واقعیتی نور است اما نه نور مطلق
- ۳- تفاوت موجودات ، در شدت و ضعف نورانیت آنهاست.
- ۴- ذات نخستین ، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نورافشانی (اشراق) می کند و به موجودات حیات می دهد.
- ۵- هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت خداست.
- ۶- رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی (نور خدا) است.

➤ مشرق و مغرب در فلسفه شیخ اشراق (جغرافیای عرفانی شیخ اشراق)

در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند

➤ مشرق جهان:

عالم نور محض، محل فرشتگان مقرب که بدلیل تجرد از ماده قابل مشاهده برای موجودات خاکی نیستند.

➤ مغرب وسطی:

در میان مشرق محض و مغرب کامل قرار دارد و آمیزه ای از نور و ظلمت است.

➤ مغرب کامل:

جهان تاریکی یا عالم ماده که بهره ای از نور ندارد.

➤ دسته بندی جویندگان معرفت:

- ۱- آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند. (نه استدلال عقلی نه شهود عرفانی)
- ۲- آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند. (فقط استدلال عقلی)
- ۳- آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته اند. (فقط شهود عرفانی)
- ۴- آنان که هم در صورت برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته ان. اینان حکیم متأله اند و بهترین دسته به حساب می آیند. (هم استدلال عقلی هم شهود عرفانی)

➤ ویژگی حکیم متأله از دیدگاه سهروردی:

- ۱- هم در بحث و نظر استاد استاد است هم در عرفان ۲- خلافت تامه دارد. ۳- ریاستش بر جامعه از طریق قهر و غلبه نیست
- ۴- حقایق ربی واسطه از منشاء الهی دریافت می کند ۵- خلیفه و جانشین خداست. ۶- گاه شناخته شده و گاه گمنام است.
- ۷- همواره چنین کسی در دنیا حضور دارد. ۸- اگر ریاست یابد زمان نورانی شود و گرنه ظلمت و تاریکی جهان را فراگیرد.

○ بارم نمره و سوالات نهائی درس دهم دوره میانی: (۲ نمره)

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد.

- ۱- نویسنده کتاب «انصاف» ابن سینا است. (دی ۹۷) درست
- ۲- از نظر ابن سینا ، برخی امور در جهان طبیعت ، مصداق شر و بدی هستند. (دی ۱۴۰۰) نادرست

- ۳- طبق اصول فلسفه اشراق ، شناخت عقلی و استدلالی نسبت به آفریدگار جهان به اوج خود می رسد. (دی ۹۸) نادرست
- ۴- در روش اشراقی، شیوه استدلالی محض با سیر وسلوک قلبی همراه می شود. (دی ۹۸) درست
- ۵- حکمت اشراق ، شیوه استدلالی محض را با سیر وسلوک قلبی همراه می سازد. (شهریور ۹۹) درست

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید

۱- سهروردی، کسانی را که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند وهم به اشراق و عرفان دست یافته اند «.....» می نامد. (خرداد ۱۴۰۰)

- ۲- سهروردی در اندیشه خود، از مفهوم (۱: نور ۲: وجود) استفاده می کند. (شهریور ۱۴۰۰) ۱: نور
- ۳- دانشمندانی که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند، نامیده می شوند (دی ۹۹) متکلم
- ۴- ابن سینا آخرین دیدگاه های خود را در باب حکمت و فلسفه را در کتاب بیان کرده است. (شهریور ۱۴۰۰) اشارات و تنبیهات
- ۶- نویسنده کتاب شفا است. (شهریور ۹۹) ابن سینا
- ۷- کاملترین مرجع حکمت مشاء ، کتاب (۱: شفا ۲: انصاف) ابن سینا است. (دی ۹۹) ۱: شفا

به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید:

- ۱- از نظر سهروردی کسی که هم در صور برهانی به کمال رسیده وهم به اشراق و عرفان دست یافته ، چه نام دارد؟ (شهریور ۱۴۰۰) حکیم متأله
- ۲- در فلسفه سهروردی، عالم ماده (۱: مغرب کامل ۲: مغرب وسطی) نام دارد. (خرداد ۱۴۰۰) ۱: مغرب کامل
- ۳- با توجه به فلسفه سهروردی به سوال های زیر پاسخ بدهید. (دی ۱۴۰۰)
- الف) نام عالم ماده یا جهان تاریکی در جغرافیای عرفانی او چیست؟ مغرب کامل
- ب) تعبیری که برای خداوند به کار برده است ، چه می باشد؟ نور الانوار
- ج) کسی که هم در صور برهانی وهم در عرفان سرآمد است، چه نام دارد؟
- الف) مغرب کامل ب) نور الانوار ج) حکیم متأله

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید:

- ۱- به نظر ابن سینا چه چیزی باعث ایجاد خشوع و خشیت در نهاد دانشمند در برابر حق می شود؟ (دی ۹۹)
- از نظر ابن سینا ، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها ، دانشمند را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند و آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد.
- ۲- نظر ابن سینا در مورد و شر و بدی در طبیعت چیست؟ (شهریور ۹۹ دی ۹۷)
- ۳- نظر ابن سینا در مورد آنچه در طبیعت « شر و بدی» نامیده می شود، چیست؟ (خرداد ۹۹)
- ۳- ابن سینا چگونه وجود شر و بدی را در عالم هستی تبیین می کند؟ به اختصار بنویسید. (شهریور ۱۴۰۰)
- آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد ، مانند پژمرده شدن یک گل یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله ، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند.
- ۴- تعریف طبیعت از نظر ابن سینا چیست؟ (دی ۱۴۰۰)
- طبیعت مرتبه ای از هستی است که دارای حرکت است و رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد جزء ذات عالم طبیعت و از آن جدایی ناپذیر است.
- ۵- از نظر ابن سینا علت نامگذاری عالم ماده به «عالم طبیعت» چیست؟ (خرداد ۱۴۰۱)
- بدان جهت است که اجزای این عالم هر کدام یک طبع و ذات خاصی دارند که منشأ حرکات و تغییرات اجزاء و افراد عالم طبیعت می باشد. خود این عالم نیز به عنوان یک کل بطع و ذاتی دارد که منشأ حرکات و تحولات آن است.
- ۴- با توجه به نظر ابن سینا درباره طبیعت، به دو سوال زیر پاسخ دهید. (خرداد ۱۴۰۰)
- الف) تعریف طبیعت ب) علت نامگذاری آن

الف) طبیعت مرتبه ای از هستی است که دارای حرکت است و روبه مقصدی دارد و این مقصد جزء ذات عالم طبیعت و از آن جدایی ناپذیر است.

ب) علت نامگذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزای آن عالم، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند و منشاء حرکات و تغییرات اجزا و افراد عالم طبیعت می باشد. خود این عالم نیز به عنوان یک «کل» طبع و ذاتی دارد که منشاء و مبداء حرکات و تحولات آن است.

۵- از نظر ابن سینا در چه صورت یک دانشمند مصداق آیه شریفه مقابل می شود؟ «انما یخشی الله من عباده العلماء» **دی ۹۹ خارج کشور** دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آن ها می رساند؛ آن ها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصداق آیه شریفه «انما یخشی الله من عباده العلماء» - تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند- می سازد.

۶- در جغرافیای عرفانی سهروردی، منظور از «مغرب وسطی» چیست؟ **(دی ۹۷)** در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

۷- با توجه به جغرافیای عرفانی سهروردی، مفاهیم مقابل را تعریف کنید؟ الف) مشرق جهان ب) مغرب وسطی **(خرداد ۹۹)** الف) مشرق جهان، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. ب) در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

۸- با توجه به جغرافیای سهروردی، مفاهیم مقابل را تعریف کنید: الف) حکیم متأله ب) مشرق جهان **(شهریور ۹۹) (خرداد ۱۴۰۱)** الف) کسی که هم در صور استدلالی و طریقه برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته است.

ب) مشرق جهان، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

۹- با توجه به فلسفه سهروردی، مفاهیم زیر را تعریف کنید: الف) حکیم متأله ب) مغرب کامل **(دی ۹۹)**

الف) کسی که هم در صور استدلالی و طریقه برهاتی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته است. ب) جهان تاریکی با عالم ماده که بهره ای از نور ندارد.

۱۰- با توجه به فلسفه سهروردی، مفاهیم زیر را تعریف کنید: **(دی ۹۹)**

الف) نورالانوار ب) مشرق جهان

الف) مبدأ جهان و خالق هستی یا نور محض (نور مطلق = خداوند)

ب) مشرق جهان، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

۱۱- با توجه به فلسفه سهروردی دو مرحله اول از جویندگان معرفت را بنویسید. **(دی ۹۹ خارج کشور)**

آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته و جویای آن اند. آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند.

○ **درس یازدهم: دوران متأخر**

➤ **تقسیم بندی تاریخی فلسفه اسلامی:**

دوره متقدم: از ابتدای ظهور اسلام تا ابتدای حکومت صفویه

ویژگی های دوره متقدم:

۱) شکل گیری دو مکتب مشاء و اشراق و به اوج رسیدن عرفان و کلام

فیلسوفان این دوره: فارابی

۲) افول حکمت مشاء با ظهور رقیبی به نام کلام

دوره میانه: از قرن ۵ تا ۱۰ و ویژگی دوره: طلوع ابن سینا

فیلسوفان بزرگ این دوره: کندی، ابن سینا، بهمنیار، خواجه نصیر الدین طوسی، شیخ اشراق

دوره متأخر: از قرن ۱۱ تا کنون از ابتدای حکومت صفویه تا دوره معاصر

➤ **ویژگی های دوره متاخر:**

- (۱) ظهور فیلسوفان بزرگ به دلیل ثبات سیاسی
- (۲) حکمت متعالیه معتبرترین مکتب فلسفی این دوره

➤ **ملاصدرا:**

زندگی نامه، استادان: ملاصدرا:

متولد ۹۷۹ شیراز، پس از مرگ پدرش به اصفهان رفت و به عالی ترین مراتب حکمت رسید. پس از تکمیل تحصیلات و کسب مقام استادی به شیراز برگشت .

بدلیل آزار و اذیت مخالفان به روستای کهک قم مهاجرت کرد بعد از ۱۵ سال به شیراز برگشت و سرپرستی مدرسه خان به او سپرده شد

مطالعاتش: در علم فقه و عرفان بود

استادانش: شیخ بهائی و میرداماد بودند

میرداماد: بنیانگذار حوزه فلسفی اصفهان و فیلسوفی مشائی بود و در پی آمیختن حکمت مشاء و اشراق و ارائه تفسیر اشراقی از حکمت مشاء بود

شیخ بهائی: در عرفان و انوار قلبی از نوادر روزگار بود.

➤ **تأثیر شیخ بهائی و میرداماد بر ملاصدرا:**

(۱) مشربشان فلسفی عرفانی بود

(۲) باعث آشنایی روح و جان ملاصدرا با ذوق و عرفان شدند.

(۳) باعث رسیدن ملاصدرا به درک جدیدی از علم و معرفت شدند.

➤ **تالیفات ملاصدرا:**

۱- **الشواهد الربوبیه:** کتابی فلسفی تدوین شده به شیوه اشراقی

۲- **تفسیر القرآن الکریم:** تعدادی از سوره های قرآن را تفسیر کرده است

۳- **المبداء والمعاد:** شامل مباحث خداشناسی و معادشناسی و خلاصه نیمه دوم اسفار

۴- **الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه:** مهمترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا که دائره المعارف فلسفی ایشان است. با الهام از سفرهای چهارگانه عرفا تنظیم شده است.

➤ **سفرهای سیروسلوک چهارگانه عرفا:**

(۱) سفر اول: سفر از خلق به حق (خدا):

سالک در این سفر می کوشد، از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کرده به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد.

۲- سفر دوم: سفر با حق و در حق:

سالک در این سفر می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید.

۳- سفر سوم: سفر از حق (خدا) به سوی خلق، همراه با حق:

سالک در این سفر به سوی خلق بازمی گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می یابد.

۴- سفر چهارم: سفر در خلق است با حق:

سالک در این سفر می کوشد به کمک حق ، مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راحق نماید.

➤ **تنظیم کتاب الاسفار الاربعه ملاصدرا بر اساس اسفار چهارگانه عرفا:**

(۱) سفر اول: سفر از خلق به حق (خدا): مباحث عمومی فلسفه

۲- سفر دوم: سفر با حق و در حق: مباحث توحید و صفات الهی

۳- سفر سوم: سفر از حق (خدا) به سوی خلق، همراه با حق: اختصاص به افعال خداوند در ربوبیت و حکمت الهی

۴- سفر چهارم: سفر در خلق است با حق: علم النفس و مراحل شکل گیری آن تارسیدن به مرحله معاد

➤ **مشرب فلسفی ملاصدرا:**

حکمت متعالیه : نتیجه تکامل دومشرب مشاء و اشراق

چگونگی حصول حکمت متعالیه: ازلفت سه طریق: برهان عقلی، شهودقلبی، و وحی قرآنی
روش حکمت متعالیه: برهان عقلی روش و معیار این حکمت است ولی شهودقلبی و وحی قرآنی شاهد و تأییدکننده آن هستند.

➤ **منابع حکمت متعالیه:**

(۱) فلسفه مشاء: به خصوص اندیشه های مستدل وقوی ابن سینا

(۲) حکمت اشراق: اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی

(۳) عرفان اسلامی: بخصوص اندیشه های محیی الدین عربی

(۴) تعالیم قرآن و احادیث منقول از رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع)

➤ **اصول اولیه حکمت متعالیه:**

۱- اصالت وجود ۲- وحدت حقیقت وجود ۳- مراتب داشتن وجود

➤ **۱- اصالت وجود:**

بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا

برسایر مباحث فلسفی او تأثیر گذاشت و به آنها رنگ و بوی اصالت وجودی داد.

واقعیت خارجی مصداق مفهوم وجود است پس وجود اصیل است

وجودها از جهت نقص و کمال متفاوت اند.

ذهن انسان متناسب با تفاوت ها و خصوصیات هر واقعیت خارجی، ماهیت ها را انتزاع می کند آنها را نام گذاری کرده و از هم متمایز می سازد.

➤ **۲- وحدت حقیقت وجود:**

هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی بیش نیست

کثرتی که در اشیاء و موجودات می بینیم به معنای وجودهای مختلف و متکثر نیستند.

عرفا می گویند هستی یکی است و کثرت های جهان اصالت ندارند(عرفا از طریق شهود این راد رک کرده اند)

ملاصدرا نیز این حقیقت را شهود کرده و راه اثبات اصالت وجود را از طریق برهان فلسفی بیان کرده است.

➤ **۳- مراتب داشتن وجود(تشکیک وجود)**

الف) هستی یک حقیقت و احد است اما دارای درجات، مراتب و شدت وضعف است.

ب) در مقام تشبیه ، این حقیقت مثل کانون نور هست هر چه اشعه از کانون دور شود ضعیف و وضعیف تر می شود

ج) همین اختلاف در شدت وضعف سبب تمایز آنها از یکدیگر و پیدایش کثرت در جهان می شود.

د) یک حقیقت نور داریم که در مرتبه ای قوی و در مرتبه ای وضعیف است.

ه) نور قوی وضعیف هر دو نورند نور قوی از همان جهت که نور است قوی است و نور وضعیف از همان جهت که نور است وضعیف است

پا تاریکی ترکیب نشده است چون تاریکی عدم است.

ز) وجود نیز حقیقتی و احد است اما در تجلیات و ظهورات خود مراتبی دارد هر مرتبه ای از وجود ، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن

حقیقت واحد و یگانه است.

نتیجه: گرچه وجود حقیقتی و احد است اما مراتبی دارد تفاوت مراتب و درجات وجود، از همان جهت وجود است نه اینکه از غیر وجود

ناشی شده باشند.

○ **بارم نمره و سوالات نهائی درس یازدهم: دوران متأخر (۲ نمره)**

به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید:

- ۱- نویسنده کتاب شواهد الربوبیه کیست؟ (شهریور ۹۸) ملاصدرا
۲- کدام گزینه از آثار ملاصدرا می باشد؟ ۱- الشواهد الربوبیه ۲- عدل الهی (خرداد ۱۴۰۱) ۱- الشواهد الربوبیه

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید؟

- ۱- «وحدت حقیقت وجود» را از نظر ملاصدرا توضیح دهید؟ (دی ۹۹)
براساس اصالت وجود، و واحد بودن وجود، وجود خارجی امری واحد است. و موجودات در حقیقت هستی با هم وحدت دارند.
۲- نتیجه اعتقاد به «اصالت وجود» را شرح دهید. (دی ۹۸)
حال که واقعیت داشتن و اصالت با وجود است، نه ماهیت، و وجود هم امر مشترک و واحد میان همه اشیاست، پس حقیقت، یکی بیش نیست و جایی برای تکثر واقعی در عالم وجود ندارد. به عبارتی؛ آنچه در خارج است، وجود است. بنابراین، جهان، چیزی جز «وجود» و حقیقت وجود نیست.
۳- اصل مراتب داشتن وجود در فلسفه ملاصدرا را با ذکر تشبیهی که او به کار برده، توضیح دهید؟ (شهریور ۱۴۰۰)
۴- در فلسفه ملاصدرا با توجه به این که هستی یک حقیقت واحد است، تعدد و تکثر در عالم چگونه تبیین می شود (بدون ذکر تشبیه) (خرداد ۱۴۰۰)
۵- از نظر ملاصدرا، اختلاف موجودات ناشی از چیست؟ با ذکر تشبیه او را در این زمینه بنویسید؟ (خرداد ۱۴۰۱)
از نظر ملاصدرا با این که هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. در مقام تشبیه این حقیقت واحد مانند یک کانون نور درخشان است.
۶- سفر «من الخلق الی الحق» به چه معناست و با کدام مبحث اسفار مطابقت دارد؟ (دی ۹۸)
در سفر از خلق به حق سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. ملاصدرا، مباحث عمومی فلسفه را در بخش اول کتاب خود قرار داده است.
۷- مباحث عمومی فلسفه در کتاب اسفار ملاصدرا، با کدام مرحله از سیر و سلوک عرفانی تطبیق می کند؟ توضیح دهید. (دی ۹۹)
از خلق به حق: در این سفر سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد.
۸- مبحث چهارم در کتاب «اسفار اربعه» ملاصدرا به چه موضوعاتی اختصاص دارد (سفر چهارم عقلی) (دی ۹۷)
به «علم النفس» و مراحل شکل گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد اختصاص دارد.
۹- سفر عرفانی «در خلق با حق» با کدام مباحث کتاب اسفار ملاصدرا تطبیق دارد؟ (خرداد ۱۴۰۱)
با بخش چهارم کتاب «علم النفس» و مراحل شکل گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد اختصاص دارد.
۱۰- منابع حکمت متعالیه را بنویسید. (دی ۹۹ خارج کشور)
۱۱- دو مورد از منابع حکمت متعالیه را بنویسید. (شهریور ۹۹)
فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا، حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی، عرفان اسلامی به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی، تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار (ع)
۱۲- «اصالت ماهیت» و «اصالت وجود» را تعریف کنید و یک فیلسوف از طرفداران هریک از این دو نظریه را نام ببرید؟ (خرداد ۱۴۰۰)
اصالت ماهیت: امر واقعی خارجی؛ مصداق ماهیت است؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است. میر داماد
۱۳- مقصود از «اصالت وجود» چیست؟ و میر داماد طرفدار اصالت وجود بود یا ماهیت؟ (شهریور ۱۴۰۰)

اصالت وجود: از میان دو مفهوم وجود و ماهیت ، « وجود » است که اصیل و واقعی است. واقعیت خارجی ، مابازاء و مصداق وجود است. پس وجود اصالت دارد، نه ماهیت. طرفدار اصالت ماهیت.

۱۴- « اصالت ماهیت » را تعریف کرده و یک فیلسوف پیرو « اصالت ماهیت » نام ببرید. (دی ۱۴۰۰)

۱۵- معنای « اصالت ماهیت » چیست و کدام فیلسوف اصالت ماهیتی بود؟ (دی ۹۹)

اصالت ماهیت : امر واقعی خارجی ، مصداق ماهیت است ؛ یعنی آنچه واقعی است ماهیت است نه وجود و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است. میر داماد

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۱- « وجود » که محور فلسفه مشائی و « نور » که اساس فلسفه اشراقی بودند، در فلسفه به هم رسیده و یکی شدند. (خرداد ۱۴۰۰)

فلسفه صدرائی

۲- صدر المتألهین در مکتب فلسفی خویش سه طریق برهان عقلی، و را با هم ترکیب نموده و شیوه ای یگانه در تحقیق فلسفی به وجود آورده است؟ (اسفند ۸۷) شهود قلبی - وحی قرآنی

۳- پیروان اصالت ماهیت ، را نتیجه انتزاع ذهن می دانند. (دی ۹۸) وجود

۴- طبق نظر ملاصدراف مصداق مفهوم اصیل است. (شهریور ۹۸) وجود

۵- طبق نظر ملاصدرا، مفهوم دارای اصالت است، در حالی که مفهوم اعتباری می باشد. (دی ۹۷) وجود - ماهیت

۶- « وجود » که محور فلسفه مشائی و « نور » که اساس فلسفه اشراقی بودند، در فلسفه به هم رسیده و یکی شدند. (خرداد ۱۴۰۰) صدرائی (یا ملاصدرا یا حکمت متعالیه)

درستی یا نادرستی گزاره های زیر را مشخص کنید.

۱- از نظر ملاصدرا « وجود » اصیل است و واقعیت خارجی ، مابازاء و مصداق « وجود » می باشد. (خرداد ۱۴۰۱) درست

۲- از نظر ملاصدرا، وجود حقیقتی واحد است ؛ پس جایی برای تکثر واقعی در عالم وجود ندارد. (دی ۱۴۰۰) درست

درس دوازدهم: حکمت معاصر

❖ دوره معاصر: حدود صد سال قبل تا کنون

❖ تفاوت عمده: تفاوت عمده دوره معاصر با دوره های قبل:

✓ ۱- ورود فلسفه های جدید اروپا به همه جوامع از جمله اسلام و ایران

✓ ۲- ورود بازار مباحث فلسفی به مرحله جدید

► ورود فکری فلسفی: شروع ورود گسترده فکری و فلسفی مکاتب اروپایی به ایران همزمان با نهضت مشروطه

► چگونگی ورود فلسفه اروپایی به ایران:

❖ ترجمه کتب فلسفی

❖ مهاجرت دانشجویان جهت آشنایی با مکاتب فلسفی غرب

❖ تاسیس رشته فلسفه غرب در دانشگاه های ایران

❖ ورود اساتید غربی جهت آموزش فلسفه غرب

► دونگه در مورد ورود فلسفه اروپایی به ایران در دوره معاصر

➤ نکته اول: زمینه حیات مجدد فلسفه در ایران

➤ دوره رکود: پس از دوره صفویه دوره رونق: اواخر دوره قاجار به

➤ فراهم شدن زمینه حیات مجدد فلسفه با:

❖ ۱- شکل گیری جنبش فکری واجتماعی ۲ ۲- مطرح شدن مسئله های فکری فلسفی جدید

▶ **نکته دوم: نحوه پذیرش فلسفه اروپایی در ایران:**

۱- مواجهه فیلسوفان و مدرسان فلسفه در ایران با فلسفه های اروپایی ۲- احیای مجدد فلسفه

▶ **چگونگی احیای مجدد فلسفه در ایران بعد از ورود فلسفه غربی:**

❖ آشنا کردن دوستاناران فلسفه ، با اندیشه فلاسفه ایرانی

❖ بازسازی ونوسازی ذخایر فلسفی گذشته

❖ **استادان برجسته فلسفه ایران در عصر حاضر:**

➤ آیه الله محمد علی شاه آبادی - میرزا جهانگیر خان قشقایی - ابوالحسن شعرانی - میرزا مهدی آشتیانی

➤ میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی - محمد مهدی الهی قمشه ای - سید محمد کاظم عصار - علامه طباطبائی

➤ امام خمینی (ره)

▶ **نتیجه تلاش استادان فلسفه معاصر:**

➤ تالیف کتب متعدد

➤ گسترش فرهنگ فلسفی در جامعه

▶ **امام خمینی (ره)؛ حکیم و عارف مجاهد:**

➤ معروف به رهبرانقلاب: همگان ایشان را رهبرانقلاب در قرن ۱۴ می شناسند

➤ مدرس عمیق ترین کتب فلسفه و عرفان: کمتراکسی می داند که ایشان در دوره جوانی و در طی ۲۰ سال مهمترین و عمیق ترین کتاب

فلسفی و عرفانی (مانند اسفار ملاصدرا و شفاى ابن سینا) را تدریس می نموده

➤ مراحل تحصیل و استادان:

کسب علوم مقدماتی در دوره کودکی نوجوانی

استادان: سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیه الله شیخ محمد علی شاه آبادی

شاه آبادی در شکل گیری شخصیت امام خمینی (ره) نقش اساسی داشته

▶ **مقام علمی امام خمینی (ره)**

➤ تدریس فلسفه در جوانی

➤ تالیف کتب عرفانی در جوانی

➤ تفسیر عرفانی مباحث ملاصدرا با بیانی بی نظیر

▶ **تالیفات عرفانی امام خمینی (ره):**

➤ ۱- تعلیقات به شرح فصوص الحکم ومصباح الانس ۲- مصباح الهدایه ۳- اراده و طلب ۴- شرح دعای سحر

➤ ۵- سرالصلوة ۶- آداب الصلوة

علت اختصاص حلقه درس امام خمینی (ره) به شاگردان خاص:

- مخالفت بسیاری از بزرگان حوزه با فلسفه
- به دلیل عدم دینی دانستن آن
- لازمه هر حرکت و انقلاب، تربیت یاران همفکر
- بنابراین طلاب مستعد و نواندیش را تحت تربیت فکری و عملی خود قرار دادند

علامه طباطبائی: حکیم بزرگ دوره معاصر:

- بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی
 - سیر تحصیل و تدریس: تبریز مقدمات دانش نجف: ادامه تحصیل مدارج عالی علم در فقه، فلسفه، کلام، ریاضیات
 - سیر تحصیل و تدریس: قم: تدریس فلسفه، تفسیر و اخلاق
 - شیوه درس خواندن علامه: همیشه درس فردا را پیش مطالعه می کرد و اگر بامشکلی مواجه می شد خودش حل می کرد لذا درس استاد را از قبل بلد بود و هیچ اشکالی را از استاد نپرسید
 - وقتی وارد قم شد و دید فقط فقه و اصول تدریس می شد احساس وظیفه کرد که تدریس فلسفه و تفسیر و اخلاق کند
 - در عرفان و اخلاق همه چیز خود را از مرحوم قاضی می دانستند روش تفسیر قرآن به قرآن از ایشان آموخته بود
- ## علامه طباطبائی در بدو ورود به قم و بررسی شرایط علمی و نیازهای فکری، اموری را مشاهده نمود که عبارتند از:

- گسترش اندیشه های ماتریالیستی و مارکسیسم
- عدم آمادگی حوزه علمیه برای مواجهه با مکاتب فلسفی جدید اروپایی -
- تدریس فلسفه و مباحث فلسفی الف (رونق ندارد ب) مورد استقبال مدیران حوزه نیست ج) در برنامه درسی طلاب نیست

اقدامات علمی فرهنگی علامه طباطبائی:

- ارتباط با مراکز دانشگاهی
 - ملاقات با استادان دانشگاه و تشکیل جلسات
 - احیای تدریس و تفسیر قرآن
 - تفسیر آیات قرآن به کمک آیات دیگر قرآن
 - تدریس فلسفه
 - ناظر بر مسائل روز فلسفی
 - تربیت شاگردان
 - شاگردانی که به دنبال تحول در حوزه علمیه و روز آمد کردن مباحث فلسفی بودند
- ## تدریس فلسفه، ناظر بر مسائل روز فلسفی:

- الف) تدریس فلسفه اسلامی با طرح مسائل روز
- ج) نقد مکتب مارکسیسم
- ب) نقد و بررسی مکاتب فلسفی
- د) حاصل جلسات کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم

ویژگی های کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم:

- در تاریخ معاصر ایران: نقش تعیین کننده در روشن کردن افکار طلاب و دانشجویان و دانش پژوهان
- پاسخگوی نیازهای ما در عصر حاضر با بهره گیری از ذخیره فلسفی صدرایی و متناسب با مهمترین مسئله های فلسفی روز
- نگاه تطبیقی به فلسفه (مقایسه و ارزیابی دیدگاه های فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست ها با نظرات علامه و استاد مطهری)

تالیفات علامه طباطبائی:

- ۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم ۲- بدایه الحکمه ۳- نهایه الحکمه ۴- تفسیر المیزان

کتابهای فلسفی علامه طباطبائی:

- اصول فلسفه و روش رئالیسم (متن از علامه و پاورقی از استاد شهید مطهری)
- بدایه الحکمه (برای تدریس در سطح اولیه)
- نهایه الحکمه (برای تدریس در سطح بالاتر و تخصصی تر)

► **روش علامه طباطبایی در تفسیر قرآن:**

► **تفسیر قرآن به قرآن**

- تفسیر هر آیه از قرآن به کمک آیات دیگر قرآن کریم برای نشان دادن اینکه مجموعه ای کاملاً منسجم است

► **پرداختن به مباحث مستقل فلسفی**

- ارائه مجموعه ای غنی از مباحث فلسفی در کنار آیات برای پیوند با مسائل روز برای تبیین بیشتر آیات

► **شاگردان ممتاز و مستعد علامه طباطبایی:**

► آیت الله محمد تقی مصباح آیت الله حسن زاده آملی آیه الله جوادی آملی

► شهید دکتر باهنر شهید دکتر بهشتی استاد شهید مطهری

► **ارتباط با مراکز دانشگاهی از جمله اقدامات علمی فرهنگی علامه طباطبایی**

► **ملاقات با اساتید**

► تشکیل جلسات برای آنان

► **دیدار با فیلسوفان میهمان ایران**

► دیدار با فیلسوفان و خوارشناسانی که برای تحقیق به ایران می آمدند

► برای شناساندن روح تفکر، فلسفه اسلامی و مذهب تشیع

► **حاصل دیدار و گفتگوی علامه با فیلسوفان و خوارشناسان**

► ترجمه آثار ایشان به زبان های اروپایی : باعث آشنایی جهان غرب با تفکر شیعی

► همکاری هانری کربن فیلسوف برجسته فرانسوی با دانشگاه تهران: ۱- استفاده از نظر علامه درباره فلسفه، عرفان و مکتب تشیع ۲-

حاصل مذاکرات دو کتاب: شیعه - رسالت تشیع در دنیای امروز

► **ویژگی های شاگردان علامه طباطبایی**

► یارانش صمیمی امام خمینی (ره) (بازوی فکری و فرهنگی نهضت امام خمینی (ره))

► تالیف کتب متعدد در زمینه فلسفه و سایر علوم (که تغذیه کننده حیات فرهنگی نهضت بودند)

► **استاد شهید مطهری برجسته ترین شاگرد امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی:**

► شاگرد ممتاز امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی به بیان امام و علامه

► مانند علامه مباحث تطبیقی بین فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را تدریس کرد

► تدریس شرح منظومه و شفاء بصورت تطبیقی با حضور اساتید دانشگاهی آشنابه فلسفه غرب

الگوی از نظام فکری و علمی: ▶

درخت اندیشه یا نظام فکری



شاخه ها و برگ ها: سایر افکار و اندیشه ها

ریشه: مبانی فلسفی

▶ تقسیم بندی افراد در زمینه درخت اندیشه به ۴ دسته:

- نداشتن نظام فکری مشخص و تقلید کننده
- نیازمند رشد و پیشرفت چون در ابتدای راه اند
- دچار خطا و اشتباه در مبانی فلسفی
- داشتن نظام فکری و درخت اندیشه کامل

▶ دو طریقی که استاد مطهری بوسیله آنها توانست به عمیق ترین اندیشه های فلسفی برسد:

➤ دانش آموخته امام (ره) و علامه ((بانوغ فکری خود از دو استاد و حکیم معاصر (امام و علامه) آموخته بود))

➤ کسب اندیشه از قرآن و سخنان معصومین ((کسب اندیشه با تفکر در قرآن و سخنان معصومین، سامان دهی یک نظام فکری عملی خردمندانه در عین اتکاء به مراثی تمدن اسلامی و پاسخگوی نیازهای عصر حاضر))

▶ راه شناخت نظام فکری استاد شهید مطهری

- سبک زندگی ایشان
- آثار مکتوب: کتاب عدل الهی، موضوعات آثار ایشان از فلسفی ترین تا عملی ترین
- آثار غیر مکتوب

▶ دسته بندی آثار استاد شهید مطهری:

- کتاب های فلسفی محض ((کتاب حرکت و زمان (شرح اسفار ملاصدرا) شرح شفای ابن سینا، شرح منظومه ملاحادی سبزواری))
- کتاب های میانی ((انسان و سرنوشت- خدمات متقابل ایران و اسلام- فلسفه تاریخ- تکامل اجتماعی انسان- فلسفه اخلاق- فطرت- انسان و ایمان- عدل الهی))
- کتاب های مسائل جاری ((انسان کامل نظام حقوق زن در اسلام- نظام اقتصادی اسلام- اخلاق جنسی- سیره نبوی- خدا در زندگی- داستان راستان- آزادی معنوی- هدف زندگی- حق و باطل- تعلیم و تربیت))

بارم نمره درس دوازدهم: حکمت معاصر ۱/۵ نمره

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- کتاب های بدایه الحکمه و نهاییه الحکمه از آثار ارزنده..... است. (دی ۹۸) علامه طباطبایی
- ۲- دو کتابی که علامه طباطبایی برای تدریس فلسفه در دو سطح نوشتند، عبارت بود از..... و..... (خرداد ۱۴۰۱)

بدایه الحکمه - نهاییه الحکمه

به سوالات زیر کوتاه پاسخ دهید.

جدول زیر را کامل کنید. (دی ۹۹)

بدایه الحکمه	اصول فلسفه و روش رئالیسم	شرح دعای سحر
(ج) مؤلف	(ب) نویسنده پاورقی:	الف) مؤلف:
علامه طباطبایی	شهید مطهری	امام خمینی(ره)

۱- کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مشتمل بر چه موضوعاتی است؟ (دی ۹۸)
مقایسه و ارزیابی دیدگاه علامه و استاد مطهری در مباحث مهمی مثل معرفت شناسی و وجود شناسی با فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست ها

به سوالات زیر به صورت کامل پاسخ بدهید.

- ۱- دو مورد از اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی را نام ببرید. (خرداد ۱۴۰۱)
تدریس فلسفه ناظر بر مسائل روز فلسفی - احیای تدریس و تفسیر قرآن کریم - ارتباط با مراکز دانشگاهی و فرهنگی - تربیت شاگردان
- ۲- بگویید که سبک زندگی کدام دسته از افراد براساس تقلید از دیگران شکل می گیرد؟ (دی ۹۹)
کسانی که کمتر اهل اندیشه و ورزشی هستند و اصولاً یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند. اینان زندگی شان را به تقلید از دیگران می گذارند و تصمیم گیری آنها تابع جو حاکم بر جامعه است.